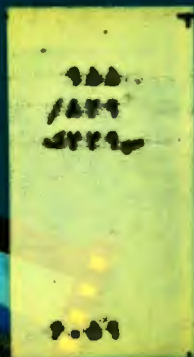


سما می سر حند

«کانون فرهنگ»



محمد ایوب کاظمی

Muhammad Aliyeh Kazemi

BY

BEER AND WINE

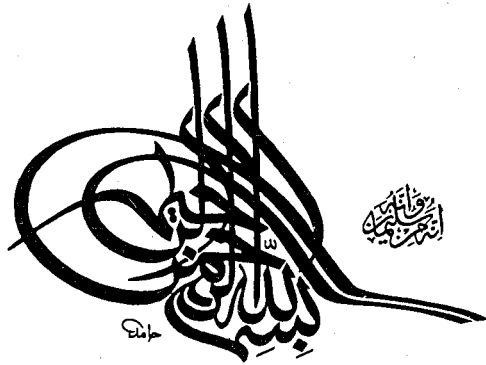
بہتر ہوتا

سیمای پیرچند

محمد ایوب کاظمی



کتابخانه شخصی حضرت

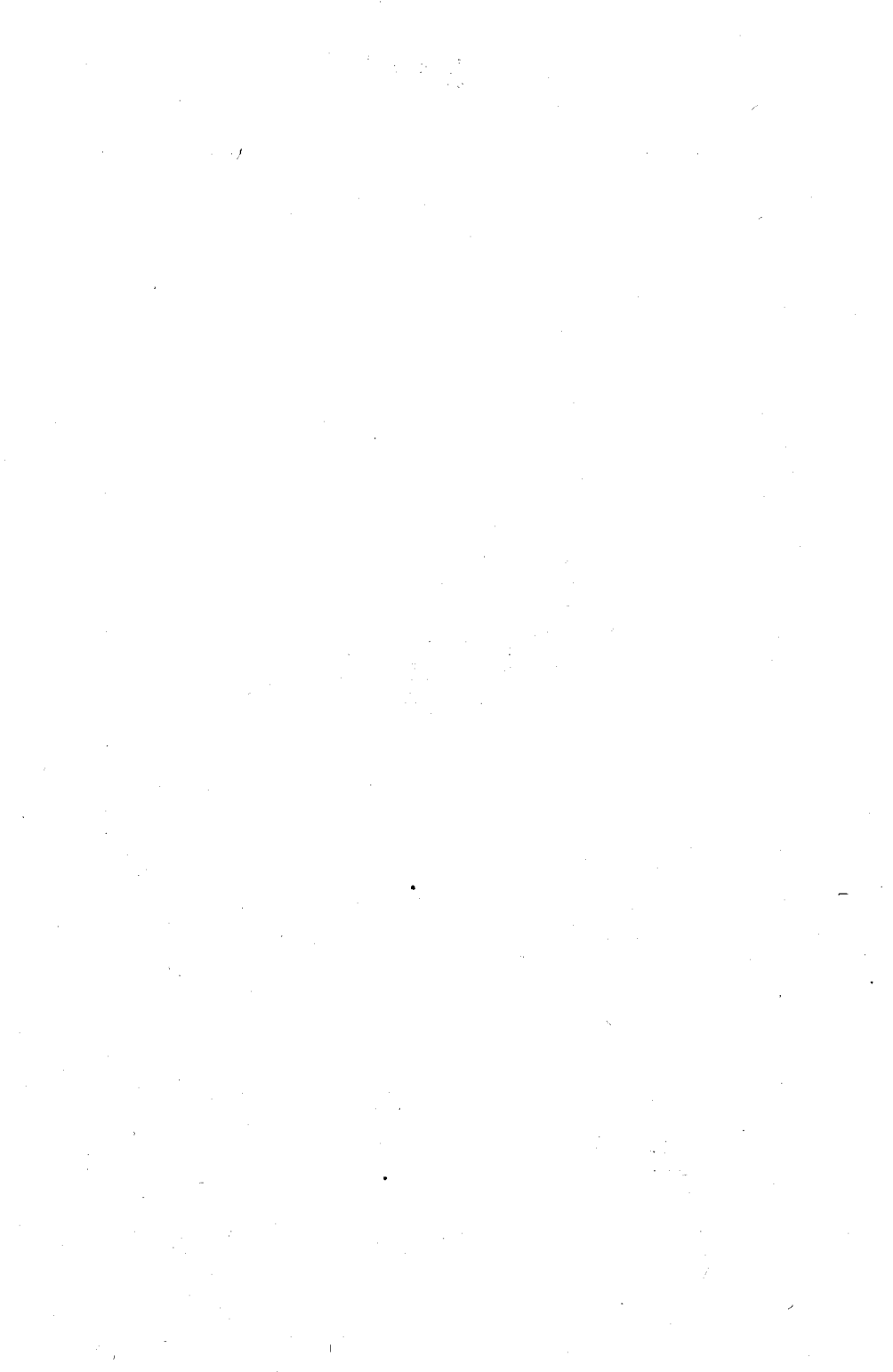


بسم الله الرحمن الرحيم



بسم الله الرحمن الرحيم

۷۵ هـ



۹۵۵
۱۸۲۹
۲۰۱۹
سی

دیار ابرار

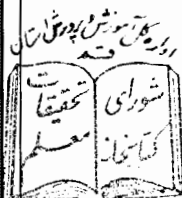
۳۱

سیمای پیرچند

کانون فرهنگ

مرکز تحقیقات فرهنگیان	
شماره ثبت:	۶۰۸۹
تاریخ:	۱۷/۸/۷۹

تألیف: محمد ایوب کاظمی



● شناسنامه کتاب

- نام کتاب سیمای بیرجند
- نویسنده محمدایوب کاظمی
- ناشر جهان آرا
- طرح جلد علی محمد رحیمی
- لیتوگرافی المهدی (عج) قم
- نوبت چاپ اول
- چاپ باقری
- تیراژ ۳۰۰۰
- تاریخ نشر بهار ۱۳۷۵
- حروفچینی و صفحه آرائی قم، جهان آرا، ت: ۷۴۳۹۷۴
- قیمت ۲۶۰ تومان

«کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است»

فهرست

۹.....	پیشگفتار
۱۳.....	سرآغاز
۱۵.....	گوش کن تعریف شهر بیرجند

فصل اول: نگاهی گذارا به تاریخ بیرجند

۱۸.....	سرگذشت نام دیار
۱۹.....	تاریخ بیرجند
۱۹.....	سرزمین قهستان
۲۰.....	اوضاع قهستان از ساسانیان تا صفویه

فصل دوم: بزرگ مالکان بیرجند

۲۶.....	در روشنایی تاریخ
۲۶.....	طایفه علم
۲۸.....	فرجام تلخ خودکامگان
۲۸.....	پاداش نوکری
۳۰.....	خاطراتی از اسدالله علم

فصل سوم: جغرافیایی طبیعی و انسانی

۳۳.....	موقعیت شهرستان
۳۳.....	بخشها و آبادیها
۳۵.....	جمعیت
۳۷.....	آب و هوا
۳۷.....	محصولات کشاورزی
۳۷.....	کوهها و رودخانهها
۳۸.....	صنایع
۴۰.....	معادن
۴۰.....	آثار تاریخی

فصل چهارم: یادى از بزرگان بیرجند

۴۴.....	ستارگان هدایت
---------	---------------

- ۴۴..... حکیم نزاری، دلباخته اهل بیت (ع)
 ۴۵..... دیدار با سعدی در بیرجند
 ۴۸..... مولانا محمد شمس الدین زاهد
 ۴۹..... مولا محمد بن حسام
 ۵۱..... علی اصغر خوسفی، تقوی پیشه‌ای ژرف‌نگر
 ۵۲..... عارفی ریاضیدان
 ۵۲..... سید غلامرضا بیرجندی
 ۵۳..... شاعری خوش صوت و نکته سنج
 ۵۳..... علی اکبر خوسفی
 ۵۴..... سراینده‌ای شوخ طبع
 ۵۴..... «منزوی»، دانشمندی شاعر
 ۵۵..... شاعری از روستای ماژان
 ۵۵..... شیخ عبدالحسین فنودی
 ۵۶..... میر بذله گو
 ۵۷..... میرزا محمد سالک
 ۵۷..... ناموری از «دهک»
 ۵۷..... ملا محمد حسین فروغ
 ۵۸..... فرزانه‌ای حافظ قرآن
 ۵۸..... زین العابدین درخشی
 ۵۹..... حاج محمد هادی مجتهد
 ۵۹..... مولا عبدالکریم اشراق
 ۶۰..... مولا حمزه بیرجندی
 ۶۱..... علی اکبر مدرس
 ۶۱..... جلال الدین یوسف کاتب
 ۶۱..... استاد شیخ بهایی
 ۶۲..... شمس الدین موسوی، نابغه فصاحت
 ۶۲..... شیخ شاهمراد باقری

- نوابه خفی، بانویی در سیر و سلوک..... ۶۳
- مجتهد آیتی، در یادار فقه..... ۶۳
- ملا محمد پاکروان..... ۶۵
- آیت الله سید حسن تهامی، پناه محرومان..... ۶۶
- علامه سید محمد فرزانه..... ۶۶
- سید کاظم حایری..... ۶۷
- استاد سید غلامرضا سعیدی..... ۶۷
- استاد محمد ابراهیم آیتی، اندیشمند متعهد..... ۶۸
- سید محمد شهرستانی، عالم هنرمند..... ۷۰
- حاج شیخ جواد عارفی..... ۷۱
- دیگر بزرگان..... ۷۱

فصل پنجم: مزارهای مطهر در منطقه بیرجند

- مزار سید عبدالحسین..... ۷۴
- پیکری که همچنان سالم بود..... ۷۵
- لاله‌های سرخ اهل بیت (ع)..... ۷۶
- مزار محمد رکن الدین و کرامتی شگفت..... ۷۷
- مزار سید علی..... ۷۷
- یادگاری از امام کاظم (ع)..... ۷۸
- بارگاه شیخ صالح..... ۷۸

فصل ششم: آداب و رسوم مردم بیرجند

- فرهنگ و آداب و رسوم..... ۸۰
- عزاداری منظوم در ماه محرم..... ۸۰
- اشعار مراسم ترحیم..... ۸۱
- اشعار و قطعات..... ۸۲
- ضرب المثلها..... ۸۳
- دختران، شکوفه‌های زندگی..... ۸۴
- باورها در پیش‌بینی وضع هوا..... ۸۵

۸۶.....	در طلب باران
۸۶.....	معماها
۸۷.....	افسانه
۸۸.....	تقدم دیگران بر خود
۹۰.....	دارو و درمان سنتی
۹۱.....	نوروز در بیرجند
۹۲.....	سنتی حسنه در عروسی
۹۳.....	دوبیتی ها

فصل هفتم: بیرجند و انقلاب اسلامی

۹۶.....	انقلاب اسلامی، انفجار نور
۹۷.....	سیر انقلاب اسلامی در بیرجند
۹۹.....	اولین شهید بیرجند
۱۰۱.....	نقش بازار
۱۰۲.....	درد دل بسیجیان بیرجند

فصل هشتم: مراکز فرهنگی

۱۰۴.....	حوزه های علمیه پیشگامان شهادت و تلاش
۱۰۶.....	طلاب بیرجندی مقیم قم
۱۰۶.....	سومین مدرسه در ایران
۱۰۷.....	نگاهی به آموزش و پرورش
۱۰۷.....	دانشگاه بیرجند
۱۰۸.....	دانشکده پزشکی
۱۰۹.....	دانشگاه آزاد اسلامی
۱۰۹.....	دانشگاه پیام نور
۱۰۹.....	در یک نگاه
۱۱۱.....	منابع و مأخذ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

محو پیشینه تاریخی و بی‌رنگ جلوه دادن ارزشهای اخلاقی و انسانی یک ملت را می‌توان نخستین گام در مسیر القای باورها و فرهنگ بیگانه دانست. استکبار که چتر آسمانی ایمان و توحید را از بزرگترین مانع در مسیر غارت و اسارت ملتها می‌داند، تلاش فراوان دارد تا مردم را از فکر و فرهنگ اسلامی جدا سازد.

گاه، الفبای عربی و فارسی را به جرم هماهنگی و هم‌رنگی با قرآن و حدیث به تحقیر و تمسخر می‌گیرد.

گاه با سوار نظام و پیاده نظام تبلیغات به جنگ چادر و حجاب و لباس مسلمانی بر می‌خیزد.

گاه تاریخ شاهنشاهی و میلادی را به جای تاریخ هجری اسلامی بازورو تزویر تحمیل می‌کند.

گاه تاریخ اسلام و پیامبران را نادیده می‌گیرد و شجره نامه‌ای مبهم و احياناً قلبی برای پیوند دادن مردم با پهلوانان خیالی و شاهان ساسانی و هخامنشی «جعل» می‌کند.

گاه به بهانه پاکسازی زبان از واژه‌های بیگانه کلمات آشنا و هم خون عربی را از فرهنگ مردم بیرون می‌ریزد و برای جبران کمبودها دست‌گذاری به سوی واژه‌نامه‌های روزگار جاهلیت قدیم «قبل از اسلام» و جاهلیت مدرن و مسلح غرب دراز می‌کند.

و در این میان آنچه سخت از آن می‌گریزد سابقهٔ مکتبی و دینی شهر و دیار مسلمین است.

اگر آثار باستانی را جستجو می‌کند پس مانده‌های روزگار شرک و جاهلیت را می‌جوید و اگر از ادبیات و فرهنگ عامه سخن می‌گوید ادبیات مبازل و بی‌خاصیت را مطرح کند و اگر از موسیقی و هنر مردم می‌زند، هنر اغواگری و خنیاگری را می‌ستاید، از آثار باستانی و ادبیات و هنری که راه آسمان را نشان دهد و عطر معنویت و اخلاق و عرفان داشته باشد به شدت وحشت دارد.

غرب بیش از پنجاه سال است که در مسیر نفی هویت اسلامی فرزندان میهن بزرگ اسلامی می‌کوشد. و برای شکار نسل جوان دام می‌گذارد و دانه می‌پاشد. استکبار می‌داند که فریاد اذان و آوای قرآن فضای کشورها را اسلامی را در برابر امواج تبلیغاتی او نفوذ ناپذیر و پولادین کرده و مردم را در برابر فرهنگ مادیت بیمه می‌کند. از این روپیشینهٔ فرهنگی، اخلاقی، هنری و صنعتی «دیار ابرار» را نفی می‌کند و اگر نتواند، به تحریف و «مسخ» آن می‌پردازد.

دجال غرب اگر بتواند نسل جوان را با کوه کاذب آب و نان فرهنگ می‌فریبد و بهشت موعود را مستقیماً در مرزهای اروپا و آمریکانشان می‌دهد. و اگر نتواند حماسه خاک و خون را مطرح می‌کند، ایرانیان را به داستانهای رستم و اسفندیار و عربها را به پان عربیسم و ترک‌ها را به شعارهای آتاتورک مشغول سازد.

ولی سرزمین اسلام، دیار ارزشهاست، دیار ایمان و دانش و هنر و

کوشش است. افتخار دیار اسلام چند اثر باستانی بجا مانده از شاهان بیدادگر و چند شعر باقی مانده از لحظهٔ عربده و مستی چند شاعر نیست. دیار اسلام به دانشمندان متعهد و عالمان دوراندیش و حافظان قرآن و راویان حدیث و مجاهدان سلحشور و فداکاران مؤمنی می‌بالد که در دامان دین بزرگ شدند و از ایمان و آزادی و استقلال انسانها دفاع کردند. افتخار سرزمین اسلام، مربیان و معلمان و کارگران و کشاورزان و رزمندگانی هستند، که ایمان و عشق خدا در دل دارند و قلم و کتاب و بیل و کلنگ و آچار و اسلحه در دست.

دیار اسلام به آداب و رسوم نیکوی انسانی و اخلاقی افتخار می‌کند که از آگاهی و آزادی و آرمان‌های بلند انسانی برخاسته است و از هنر «فرهنگ مردم» و «آداب مردمی» و «موسیقی سنتی» که با معیارهای مکتبی در تضاد باشد برائت می‌جوید.

در شهر و دیار ابرار، ایثارگران تولیدگران اصلی ارزشهای اجتماعی و پاسداران آبرو و حیثیت انسانی و مسلمانی‌اند. قدمت تاریخی و قدرت فنی و هنری منهای ایمان و اخلاق نشان هیچ امتیازی و افتخاری نیست. مجموعهٔ پژوهشی «دیار ابرار» با این آرزو شکل گرفته که خدمات هر شهر و دیار دنیای بزرگ اسلام به این آئین الهی، روشن گردد و سیمای ارزشی سرزمین اسلام، ترسیم شود و خدماتی که مردم هر منطقه به اسلام و تشیع، تقدیم داشته‌اند، مشخص گردد.

در این مجموعه به حول و قوه الهی سابقهٔ تشیع و اسلام پذیری هر شهر، روایان برخاسته از هر منطقه و پیوند تاریخی شهر با عترت پیامبر (ص)، سخنان پیشوایان معصوم دربارهٔ شهرها، فقهاء، محدثان، مفسران و حافظان و خطباء و شاعران متعهد هر منطقه، مطرح می‌گردد. از امامزادگان و بزرگان مدفون در شهرها سخن به میان می‌آید. مبارزات مردم شهرها با کفار و اشرار ترسیم می‌شود. مساجد، مدارس، دانشگاهها و مراکز

فرهنگی مهم شهر در پیشدید نسل جوان قرار می‌گیرد. آداب و سنن خوب و اسلامی مردم در ماه رمضان و محرم و عید فطر و قربان و غدیر و جمعه یادآوری می‌شود. روحیات و اخلاق مثبت مردم شهرها همواره با ضرب‌المثل‌های مفید و حکیمانه و جغرافیایی اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی شهرها مطرح می‌گردد.

و در یک سخن، کوشش بر این است که خدمات متقابل اسلام و هریک از شهرهای مهم وطن اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در این تلاش که توسط گروهی از طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم و با حمایت و هدایت سازمان تبلیغات اسلامی در پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام) تمرکز یافته است، جمعی از نویسندگان جوان و فضلاء دلسوز حوزه علمیه، به میدان جهاد فرهنگی قدم نهاده و کوششی هماهنگ را به منظور بازشناسی شهر و دیار اسلام آغاز کرده‌اند.

در این مجموعه نسل جوان مخاطب اصلی است. و یاران پژوهشکده امیدوارند فرزندان اسلام با تبارنامه تاریخی خویش آشنا شوند و باغ و بوستان اسلام و مسلمانی را در جای کره زمین به تماشا نشینند. و به جای مطالعه رمان‌های دروغین غرب داستان راستان را در چهار سوی «دارالاسلام» بخوانند.

در پایان از صاحب نظران و خوانندگان گرامی تقاضا می‌شود نظرات اصلاحی، تکمیلی و ابتکاری خود را به صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۱۳۵، قم، «پژوهشکده باقرالعلوم (ع)» ارسال فرمایند.

پژوهشکده باقرالعلوم (ع)

سرآغاز

کتابی که پیش رو دارید به معرفی اجمالی بیرجند می‌پردازد. ادعا نمی‌کنیم که همه آنچه مطلوب است در این کتاب آمده و هر چه آورده‌ایم بایسته است اما:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید
از این رو، در حد توان مطالبی که به نظر برای خوانندگان عزیز مفید بود در این مختصر گرد آورده‌ایم.

پیشینه تاریخی هر قوم آینه و راهنمای راه آیندگان است. سابقه تاریخی بیرجند از بسیاری جنبه‌ها قابل دقت و تأمل است؛ چرا که بیرجند یکی از مراکز تحولات تاریخی در شرق کشور بوده است.

بیرجند در تاریخ ایران به موجب قرار گرفتن در بین راه جنوب و شمال شرقی کشور و سیستان و از طرفی کشورهای افغانستان و پاکستان و هندوستان دارای برجستگی خاصی است.

همان طور که در تاریخ آمده است اولین دسته‌های سپاه اسلام در فتح خراسان از این منطقه عبور کرده‌اند. مسیر کاروانهای جنوبی و بین‌النهرین به «مرو» و «نیشابور»، از همین منطقه (قهستان و طبس) بوده است. چنانکه اعزام نیرو از سوی خلفای عباسی به این منطقه و استقرار آنها در اینجا، اهمیت این منطقه را نشان می‌دهد.

از لحاظ فرهنگ و علم و معرفت، این دیار یکی از درخشانترین نقاط ایران است.

وجود علمای فاضل و عرفای کامل در جای جای این خطم نشانگر این موضوع است.

در میان شخصیت‌های علمی و معنوی این منطقه، افرادی هستند که آوازه شهرتشان از مرز منطقه و کشور فراتر و نام آنها در زمره شخصیت‌های علمی جهان ثبت شده است. اینها در گسترش فرهنگ اسلامی - ملی نقش مؤثری داشته‌اند.

سرزمین قهستان محل بروز جنگها و شورشها بوده و در میان مبارزان این دیار افراد پاکباخته‌ای از خاندان ائمه (ع) برای دفاع از دین مردم به پا خاسته‌اند. آثار این مجاهدان و مبارزان و شهیدان در نقاط مختلف منطقه به صورت زیارتگاه مردم و محل تجدید میثاق مؤمنان در آمده است.

شهر بیرجند اکنون موقعیت مناسبی برای بروز استعداد‌های بالقوه‌اش دارد ایثارگران این منطقه همواره در خط مقدم دفاع از انقلاب اسلامی پاسدار این ودیعه ارزشمند الهی بوده و خواهند بود. آنان انتظار دارند که عزیزان مسوول هر چه زودتر زمینه بروز استعداد‌های نهفته این منطقه را فراهم آورند تا با گام‌های استوار و پرشتاب، راه خودکفایی و استقلال را با تعهد و خودباوری بپیمایند.

ان شاء الله تعالی

قم - محمد ایوب کاظمی

۱۳۷۴/۳/۱

گوش کن تعریف شهر بیرجند

گر بخواهی نکته و اندرز و پند
 گوش کن تعریف شهر بیرجند
 بیرجند ای گلشن اندیشه‌ها
 حق پرستان تو شیر بیشه‌ها
 بیرجند ای سرزمین لاله خیز
 یاور دین خدا دشمن ستیز
 مرکز فرهنگ و شور و عاطفه
 مردمانت مؤمن و پاک و ثقه
 قلبهای مردمانت بی‌غش است
 لهجه‌شان شیرین و خوب و دلکش است
 گر ز عزم مردمش خواهی نشان
 گویمت باشد چو کوه باقران
 سرزمینت مهد علم است و هنر
 همچو دریای پراز در و گهر
 در مسیر انقلاب بی بدیل
 سیل مردم در خیابان همچو نیل
 یک گلستان گل ز تو آمد پدید
 جنگجویان، حق پرستانی رشید
 از شهیدان عزیزت یاد کن
 در پی اقدامشان فریاد کن
 هر شهیدی شاخه‌ای گل در دل است
 انتخاب گل ز گلهای مشکل است
 یک نفر از هر گلستان ذکر کن
 بعد در وصف عزیزان فکر کن
 گر نگفتم یک به یک گل در شمار
 این حقیر خسته را معذور دار

بهر برکت گویم از هر صنف یک
 گر چه فرقی هم ندارد یک به یک
 غنچه گل «سندروس»^۱ ای پیشتان
 ابتدا راه جنان شد بر تو باز
 از «شهاب»^۲ تیز تک حرفی بزن
 از گل پر عطر در دشت چمن
 بی قرار و پرامید و باصفا
 در پی یاری قرآن جان فدا
 آن «رحیمی»^۳ تکه‌ای اخلاص بود
 در حریم بندگان خاص بود
 از «شریفی»^۴ آن شهید زنده یاد
 جلوه‌ای از عشق حق دارم به یاد
 از «حسین هادی»^۵ والا بگو
 از چنین گل ناتوان است گفتگو
 وصف گل هرگز نمی‌گردد تمام
 خامه کم آمد نوشتن والسلام

«مؤلف»

۱ - شهید علی سندروس، دانش آموز شهید در تظاهرات دوران انقلاب

۲ - شهید محمد شهاب، روحانی شهید در جبهه‌های حق علیه باطل

۳ - شهید سید احمد رحیمی فرمانده سپاه پاسداران بیرجند و از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

۴ - شهید محمد حسین شریفی پناه، معلم شهید در جبهه‌های جنگ تحمیلی

۵ - شهید حسین هادی، از بازاریان شهید در جنگ تحمیلی

فصل اول

نگاهی گذرا به تاریخ

سیر جنگ

سرگذشت نام دیار

اسم بیرجند را در بسیاری از کتب تاریخی «برکند» نوشته‌اند که «بر» به معنی نصف و «کند» به معنای شهر است. بیرجند از زمان صفویه به بعد رو به آبادانی و پیشرفت گذاشته و در قدیم دو بار زلزله آن را ویران کرده است.^۱ عده‌ای معتقدند که بنیانگذار این شهر، بیژن، قهرمان نامدار شاهنامه است که بعدها بر اثر کثرت استعمال به بیرجند تغییر تلفظ داده است. دکتر گنجی از جغرافیدانان برجسته کشور که خود اهل بیرجند است، می‌گوید:

برکند از روستاهای خیلی قدیمی بوده که در دوره‌های قبل از اسلام هم وجود داشته است و جمعیت آن در ادوار گذشته ۳۰۰۰ نفر تخمین زده‌اند؛ که مردم آن کشاورزی ساده‌ای داشتند. ولی از زمان صفویه، بیرجند وارد مرحله شهری می‌گردد و قلعه‌ای که بر روی تپه این شهر قرار دارد از همان دوران باقی مانده است.^۲

۱ - بهارستان، محمد حسین آیتی، ص ۱۰

۲ - نگرش بر عملکرد روابط عمومی فرمانداری بیرجند.

تاریخ بیرجند

تاریخ بیرجند به دو بخش تقسیم می‌شود:

بخش اول از زمان ساسانیان تا دوران صفویه؛ که در این دوره بیرجند پیشرفت چندانی نداشته و قصبه‌ای بیش نبوده و این منطقه به نام قهستان معروف بوده است. دلیل این ادعا کتیبه‌ای است به زبان پهلوی ساسانی در روستای کال چنکال از توابع بخش خوسف.

بخش دوم که دوران آغاز رشد و پیشرفت بیرجند می‌باشد از دوره صفویه به بعد است که در این زمان بیرجند مرکزیت یافته و به صورت شهر و دارالملک قهستان درآمد است.

قلعه پایین شهر بیرجند مربوط به این دوره است که حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ سال قدمت دارد.^۱ از آنجا که دولت صفوی به تشیع گرایش داشت در زمان آنان حکام شیعه منطقه بیرجند مورد توجه قرار گرفتند و در پرتو آن قدرت یافتند و پیشرفتهایی در این خطه به وقوع پیوست.

قرار گرفتن آن در بین راه سیستان و خراسان نیز عاملی دیگر برای توسعه و آبادانی شهر بوده است.

سرزمین قهستان

قوهستان یا قهستان سرزمینی با کوههای بلند بین نیشابور و هرات است. قهستان به معنای کوهستان است و به مناسبت وضع طبیعی آن به این نام موسوم شده است زیرا به عکس سیستان که در شرق قهستان در سرزمین پست و کم ارتفاع قرار دارد سرزمین قهستان نسبتاً کوهستانی و مرتفع است. بیشتر آنچه به قهستان نسبت داده می‌شود، منسوب به همین منطقه است. قهستان از

خوسف شروع می‌شود و تا حدود روستای آسیچ ادامه می‌یابد. روستاهای قهستان از یکدیگر فاصله دارند و آبادی چشمگیری در آنها دیده نمی‌شود. در بیابانهای بین روستاها افراد چادرنشین و ایل‌های کوچ‌رو و دامدار زندگی می‌کنند^۱ ایالت قهستان در قدیم شامل قائن، تون (فردوس) ترشیز (کاشمر) زردشت زواره (تربت حیدریه)، بورجان (تربت جام) و ولایت باخزر، خواف، زیرکوه، دشت بیاض، گناباد، بجستان، طبس خرما، طبس مسینا، خوسف بیرجند و مؤمن آباد بوده که قسمت خراسان جنوبی را تشکیل می‌داده است. جغرافیدانان عرب ایالت قهستان را مانند سیستان از توابع خراسان شمرده‌اند. اکثر شهرهای قهستان سردسیر است.^۲

در نوشته‌های دوره صفویه گفته شده که قهستان ولایتی است با مردمی فهیم و صاحب فراست که از آنجا شاعران و نویسندگان و عالمان زیاد برخاسته‌اند. بیرجند دارالملک قهستان بوده و خانه‌های آن بر روی تپه و ماهور بنا گردیده است.^۳

قهستان از ساسانیان تا صفویه

در عهد ساسانیان این منطقه ولایتی آباد و دارای روستاهای حاصلخیز بوده است، مردمانی با استعداد و سلحشور داشته و همیشه مایه دلگرمی حکومت و منشأ قدرت در این منطقه بوده‌اند که به پشتیبانی آنان پیروزی‌هایی به دست می‌آورده‌اند. نحیرجان فرمانده این منطقه بود - که از او داستانها گفته‌اند - خزانه‌دار این سرزمین بوده که در جنگ نهاوند به دست نیروهای اسلام کشته

۱ - مجمع البلدان، یاقوت حموی، ج ۴، ص ۴۱۶

۲ - سفر به خراسان، حسن الهوردیان، ص ۲۱۵

۳ - بهارستان، ص ۱۱

شده است.

در عهد خلفای صدر اسلام

مورخان، فتح شهرهای خراسان را در سال ۲۲ هجری نوشته‌اند. پس از فتح نهاوند در سال ۲۱ هجری، اسلام در تمام نقاط ایران گسترش یافت و دسته‌هایی از سپاه اسلام به فرماندهی احنف بن قیس به طرف خراسان پیش رفتند. تاریخ نویسان ابتدای فتح خراسان را طبرسین و قهستان^۱ و بعد از آن هرات و نیشابور و مرو دانسته‌اند.

عبدالله ابن نوفل خزاعی از حدود قهستان تا طبرسین را ضمیمه کشور اسلام ساخت و بعد از فتح سرزمین خراسان، عبدالله ابن خازم حاکم آنجا شد.^۲ در عصر حکومت امیرمؤمنان علی(ع)، حوادثی پیش آمد و مخالفان اسلام که منافع خود را از دست رفته می‌دیدند، سر به شورش برداشتند. امام علی(ع) برای فرونشاندن این شورش خواهرزاده خود جعده ابن هبیره مخزومی را به عنوان حاکم به طرف خراسان فرستاد. او با لشکری وارد خراسان شد و بار دیگر مسلمانان بر اوضاع مسلط شدند، مخالفان را سرکوب کردند. پس از استقرار نظم و امنیت بر خراسان، جعده به کوفه برگشت و امیرالمؤمنین علی(ع) ربیع ابن زیاد حارثی را برای فرمانروایی بر خراسان روانه کرد. ربیع به همراه برادرش علا ابن زیاد وارد خراسان شد و با عدالت با مردم رفتار نمود و اوضاع و احوال را آرام ساخت آنچه گفتنی است اینکه والیان برگزیده حضرت علی(ع) خوی عربیت نداشتند و تنها ملاک برتری را در دیانت و تقوی

۱ - منطقه جنوب خراسان شامل طبرس مسینا و طبرس خرما و قهستان یعنی بیرجند کنونی بوده است که از آن طبرسین و قهستان تعبیر شده است.

۲ - تاریخ سیستان، ملک الشعرا بهار، ص ۱۴۰

می‌دانستند نه چیز دیگر.

به واقع نخستین بذر تشیع را در خراسان این دو حاکم عادل و پرهیزگار افشانند و دلها را متوجه امیرمؤمنان علی(ع) کردند و مردم خراسان دریافتند که آن حضرت با دیگران فرق دارد.^۱

با ورود امام رضا(ع) به ایران گرایش و توجه مردم به اسلام اصیل شدت یافت و از اسلام اموی و عباسی تبری جستند. اسلامی که امویان و عباسیان مروج آن بودند، اسلام تحریف شده و جدای از خاندان وحی و رسالت بود. اما ائمه اطهار(ع) و پیروان و شیعیان آنها پرچمدار اسلام واقعی بودند.

در زمان خلفای عباسی

در سال ۱۵۰ هجری در زمان خلافت منصور عباسی فردی به نام استاد سیس در مناطق هرات و خراسان و قهستان علیه حکومت عباسیان خروج کرد و خراسان را به تصرف درآورد. خلیفه عباسی یکی از فرماندهان به نام خازم خزیمه را با سپاهی به مقابله او فرستاد و دوباره خراسان به تصرف حکومت درآمد.^۲

تشریف امام محمد الجواد(ع) به قهستان

در سال ۲۰۲ هجری حضرت امام محمد تقی(ع) از راه قهستان به خراسان عزیمت فرمودند در آن زمان مسیر عبور و مرور کاروانهای عراق و حجاز از همین راه بوده به طوری که مشهور است قهستان را دروازه خراسان گفته‌اند و گویا در همین سفر بوده که خواهر مکرمه امام رضا(ع) در روستای کاهین

۱ - تاریخ آستان قدس رضوی، ص ۱۵

۲ - تاریخ سیستان، ص ۱۴۲

دارفانی را وداع گفته است و امام جواد (ع) پس از دفن آن مرحومه عازم خراسان می‌شود و از راه بیهق به مسیر خود به همراه کاروان ادامه می‌دهد.^۱

در سال ۲۰۳ هجری عبدالله بن موسی برادر امام رضا (ع) در پی مبارزه با خلفای عباسی مورد تعقیب گماشتگان مأمون قرار گرفت و به قهستان مهاجرت کرد. و در منطقه‌ای که طوایفی از عرب در آنجا سکونت داشتند، اقامت گزید و پیوسته متواری بود تا در زمان متوکل عباسی وفات کرد.

در سال ۴۰۰ هجری در زمان الطایع لله عباسی، الحامد لله علوی با گروهی از خاندان خود که معروف به «باقریه» بودند از مدینه به ری و از آنجا به خراسان آمدند و در نواحی قهستان ساکن شدند. پس از چندی برای برانداختن حکومت عباسیان قیام کردند ولی بر اثر کمبود نیرو، تاب مقاومت نیاوردند و در اطراف منطقه پراکنده شدند مأموران عباسی آنها را دنبال کردند تا در کوههای قهستان نزدیک روستای «چنشت» با آنان درگیر شده، زخمهای فراوان برداشتند و اکثر آنها به شهادت رسیدند. سید محمد رئیس قبیله آن محل به موجب ترس از عباسیان شهدا را در غاری گذاشته، دهانه آن غار را با سنگ و گل بستند و زنان و کودکان را از راه خور و خوزستان به عربستان روانه کردند.

حکام اسماعیلیه و مغولان

از زمان حسن صباح تا پیدایش هلاکوخان مغول حکومت قهستان در دست حکام اسماعیلی بود. حکام این سلسله هشت نفر بودند. اسماعیلیان در سال ۲۲۶ هجری از نواحی فارس ظهور کردند و عقاید آنها آمیخته‌ای از اعتقادات اسلامی، مسیحی، یهودی و بت پرستی بود.

۱ - تاریخ بیهق، ابوالحسن علی بن زید البیهقی، ص ۴۶

پس از شکست اسماعیلیان به دست مغولان در سال ۶۵۵، سران آنها از این نواحی گریختند و حکومت این فرقه ضاله از هم پاشید.

از زمان صفویه به بعد قهستان رو به آبادی نهاد در این دوره تشیع جان تازه‌ای گرفت.^۱ و اوضاع اجتماعی روبه پیشرفت بود. چنانکه، یکی از سیاحان در سفرنامه خود بیرجند را در سال ۱۳۰۷ ش^۲ چنین توصیف می‌کند:

«کمی بعد به دره وسیع بیرجند رسیدیم، یک ردیف تپه کم‌ارتفاع که شیارهای آبرو به آنها شکل داده بود و با بریدگیهایی از هم جدا می‌شد در طول دامنه امتداد یافت

با وجود اینکه بیرجند در کنار شاهراه پررفت و آمد کناره دریای خزر و زابلستان و سپس هند قرار داشت، معذالک دچار کمبود آب بود. بازار جدیدی در آن ساخته شده بود و شعبه‌ای از بانک ملی که یک دانمارکی ریاست آن را به عهده داشت، افتتاح گردیده بود.

محدوده (کوه باقران) مسکونی بود و دهکده‌های زیادی داشت. دهکده‌های ساکت و آرام با چراگاههای سرسبز برکه‌ها و باغهای پر از درختان گلابی، سیب، انگور، و سایر میوه‌جات منطقه را تزیین کرده بود

زمانی که ما از بیرجند گذشتیم، مردم بیرجند - به صورت چشمگیری خوش لباس و مرتب بودند - اکثر آبادیهای بیرجند با وجود موقعیتهای مرتفع، فاقد آب شیرین بودند.

۱ - بهارستان، ص ۱۲۸

۲ - عبور از صحاری ایران، آلفونس گابریل، ترجمه فرامرز زنجی سمعی، ص ۲۵۰

فصل دوم

بزرگ مالکان

پیرچند

در روشنائی تاریخ

تاریخ معلم انسانهاست. آینهٔ تاریخ، خوبیها و بدیها، بایستها و نبایستها را در معرض قضاوت قرار می‌دهد و انسان حق‌بین و منصف را به داوریهای نیک در زندگی رهنمون می‌گردد.

امیرمؤمنان علی (ع) به فرزندش می‌فرماید:

«ای فرزندم! اگر چه من مانند کسانی که پیش از من بودند عمر دراز نکردم، ولی در کارهایشان نگریسته، در اخبارشان اندیشه نمودم و در بازمانده‌هاشان سیر کردم؛ چنانکه مانند یکی از آنها گردیدم بلکه به سبب آنچه از کارهای آنها به من رسید چنان شد که گویی با اولین نفر تا آخرین آنها زندگی کرده‌ام».^۱

به حقیقت آشنایی با تاریخ ما را در انتخاب روشها و راههای زندگی، بینا و مردمان نیک‌سرشت و زبون گذشته را نزد آیندگان هویدا می‌سازد

طایفه علم

در اواخر قرن دوازدهم سه تن از رؤسای طایفه خزیمه^۲ که در منطقه بیرجند و قائنات حکومت داشتند، پی‌درپی نام امیر علم خان را بر خود نهادند که شاخه

۱ - نهج البلاغه، نامه ۳۶.

۲ - منسوب به خازم بن خزیمه والی خراسان در زمان منصور عباسی.

اصلی، نام خزیمه را حفظ کرد.^۱

سرپرستی سایکس در سفرنامه خود درباره آنها می‌نویسد:

این خانواده، خود را از عربهای خزیمه می‌دانند که پدران علم‌خان (حشمت‌الملک) از بحرین به این حدود مهاجرت کرده و به تدریج امور این منطقه را به دست گرفته‌اند و دامنه نفوذ خود را تا جنوب ایران گسترش داده‌اند. بنیانگذاران این دودمان اشرافی، اسماعیل خان خزیمه نام دارد که در اواخر دوره صفویه و اوایل سلطنت نادرشاه افشار، حکومت این منطقه را در دست داشته است.

تاریخ واقعی آنها با آشوب امیر علم‌خان، پسر اسماعیل خان خزیمه آغاز شد. او که نامش در تاریخ به عنوان چهره‌ای خونخوار ثبت شده است، در دوران انقراض افشاریه به ترکسازی در خطه شمال شرقی و شرق ایران پرداخت و دعوی سلطنت کرد و وی در توطئه کور کردن شاهرخ افشار دست داشت و بسیاری از قدرتمندان منطقه را به قتل رسانید و پس از چندی دست انتقام، او را به سزای عملش رساند.^۲

با مرگ اسماعیل خان خزیمه، حکومت قانات و ریاست این دودمان را برادر کوچکش ابراهیم علم (شوکت‌الملک) به دست گرفت. ابراهیم علم در یکی از حساسترین مقاطع تاریخ امپراتوری بریتانیا به حکومت خودمختار خطه شرقی ایران رسید. از این رو عمیقترین مناسبات را با استعمار انگلیس برقرار ساخت.

ابراهیم علم پدر اسدالله علم از جانب مظفرالدین شاه قاجار به حکومت بیرجند منصوب شد و لقب شوکت‌الملک به او اعطا شد. ابراهیم علم در اوان

۱ - خاطرات اسدالله علم، ص ۲.

۲ - تاریخ رجال ایران، ص ۱۳۱

جوانی شاهد انقلاب مشروطیت ایران گردید.

وی از پشتیبانان رضاخان بود ولی به علت ترسی که رضا خان از توطئه متنفذین محلی داشت، به دستور او، ابراهیم علم در تهران اقامت گزید و ادارهٔ املاک وسیع خود را در بیرجند به پسرش اسدالله علم واگذار کرد.^۱

فرجام تلخ خودکامگان

در دوران دیکتاتوری بیست سالهٔ رضاخان، ابراهیم علم از نزدیکترین افراد و مورد اعتماد کامل او بود. او فرجام تلخ رضاخان را به چشم دید؛ هر چند در مورد پسرش اسدالله چنین نشد و زنده نماند تا عبرت تاریخ را در چهرهٔ انقلاب شکوهمند اسلامی ببیند. سه سال پس از سقوط رضاخان، ابراهیم علم در ۶۴ سالگی درگذشت.

با مرگ ابراهیم علم، وارث خان‌نشین قائنات، تنها پسر او اسدالله علم بود که آخرین فصل پیوندهای شوم این دودمان را با استعمار بیگانه ورق زد. اسدالله علم به موجب ارتباط فعال با سرویس اطلاعاتی بریتانیا نقش حساسی در عملیات جاسوسی - به ویژه در تهران جنوب و شرق ایران - ایفا نمود. او در رأس شبکه‌ای از عوامل اینتلیجنت سرویس^۲ قرار گرفت که بعدها در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقش جدی ایفا کردند.^۳

پاداش نوکری

اسدالله علم بسیار زود به وزارت رسید و نخست در ۲۹ سالگی وزیر

۱ - خاطرات اسدالله علم، ص ۲

۲ - سازمان جاسوسی انگلیس

۳ - گفتگوهای من با شاه، ص ۹۴۳

کشاورزی شد. مجله آمریکایی نیشن در آوریل ۱۹۶۵ میلادی (۱۳۴۳ ه. ش) فاش ساخت که اسدالله علم در کنار برخی بلندپایگان آمریکایی و انگلیسی و ایرانی به تنهایی مبلغ یک میلیون دلار از محمدرضا پهلوی پاداش نقش خود را در توطئه کودتای ۲۸ مرداد دریافت داشته است. پس از کودتا اسدالله علم به عنوان رابط شاه با مقامات عالی رتبه انگلیس و آمریکایی عمل می کرد.^۱

سندی در ساواک (خرداد ۱۳۳۹) اسدالله علم را چنین توصیف می کند: اوقات بیکاری را به عیاشی می گذراند. ابداً حسن شهرت ندارد و مردم از طبقات مختلف به او خوشبین نیستند و حتی در بین مردم به جاسوس انگلیسیها مشهور است.

در فامیل خود نفوذ دارد. امتیازاتی ندارد. سواد و معلومات کافی ندارد و تمایل شدیدی به انگلیسیها دارد و خانواده علم مشهور به نوکر انگلیسیهاست.^۲

نام اسدالله علم در تاریخ انقلاب اسلامی به عنوان نوکر روسیاه و جنایتکار به جای مانده است.^۳

۱ - خاطرات سیاسی فرح، ص ۶۹۶.

۲ - گفتگوی من با شاه، ص ۹۶۱.

۳ - اسدالله علم به دستور محمد رضا شاه پهلوی در سال ۱۳۳۶ ش. حزب مردم را تأسیس کرد که در نمایش، دموکراسی قلابی ایران، نقش حزب مخالف وفادار به شاه را ایفا کند. در سال ۱۳۴۱ به نخست وزیر منصوب شد. در اوایل سال ۱۳۴۲ شورش عشایر فارس را بی رحمانه به دست ارتش شاهنشاهی سرکوب کرد. در تهران و در شهر مقدس قم، مخالفت با کاپیتولاسیون و انجمنهای ایالتی و ولایتی از همه جای بیشتر بود. امام خمینی (ره) با نطقهای آتشین خود فجایع و جنایات رژیم فاسد پهلوی را برملا ساخت. (روزنامه اطلاعات، ۲۱ اسفند، ۱۳۴۱). در بخشی از بیانات ایشان آمده است: «من به نام ملت از علم استیضاح می کنم به چه مجوز بازار قم و تهران را غارت کردید و طلاب را کتک زده و به حبس کشیدید به چه مجوز در مدرسه فقیهیه آفتدر فجایع انجام دادید؟ من اکنون قلب خود را برای سرزنشهای مأمورین شما حاضر کرده ام اما برای زورگویی شما حاضر نخواهم کرد» (صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۹) «

خاطراتی از اسدالله علم

... تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل!

سه شنبه، ۷ مهر، ۱۳۴۹

«... از همدان عازم بیرجند شدیم. تمام خانواده سلطنتی به همراه هفتاد مهمان. روز تولد شهبانو را جشن گرفتیم. بهترین آشپز دنیا را دعوت کرده بودم که از ماکسیم پاریس به همین منظور آمده بود. غذاهایی که عرضه کردم، فوق العاده بود ... برای این دو روز جشن، مبلغی در حدود ۴۰۰۰۰ دلار خرج کردم ... فقط یک تولد به تنهایی ۲۰۰ دلار هزینه برداشت ...»^۱

دوشنبه، ۲۵ مرداد، ۱۳۵۲

«... سال گذشته به تنهایی، بیش از ۵ میلیون دلار زمین به دولت

فروختم ...»^۲

شنبه، ۱۵ مرداد، ۱۳۵۵ در خارج از کشور

«... جمشید آموزگار به مقام نخست وزیری منصوب شده است. هویدا به

جای من وزیر دربار شده ... این هم یکی از آن معماهایی است که فقط برای شاه و هویدا روشن است. همان طور که به شاه نوشته‌ام، به محض بازگشت به وطن به بیرجند خواهم رفت و همانجا می‌مانم ...».

حالی‌ا مصلحت وقت در آن می‌بینم

که کشم رخت به میخانه و خوش بنشینم

جام می‌گیرم و از اهل ریا دور شوم

یعنی از اهل جهان پاک دلی بگزینم^۳

۱ - خاطرات اسدالله علم، ص ۲۶۹

۲ - مدرک پیشین، ص ۸۰۳

۳ - خاطرات اسدالله علم، ص ۸۹۰

فصل سوم

جغرافیای طبیعی و انسانی



موقعیت شهرستان

شهرستان بیرجند با ۳۱۷۰۴ کیلومتر مربع وسعت در شرق ایران و جنوب استان خراسان واقع است. این شهرستان از شمال به شهرستان قائن و از جنوب به شهرستان نهبندان محدود می‌شود. از شرق ۲۲۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان دارد و از غرب محدوده آن تا شهرستان فردوس و طبس می‌رسد و از جنوب غربی نیز با کرمان همسایه است.

مرکز این شهرستان در عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۵۳ دقیقه و در طول جغرافیایی ۵۹ درجه و ۱۳ دقیقه قرار گرفته است. ارتفاع آن از سطح دریای آزاد در حدود ۱۴۹۱ متر می‌باشد.^۱ فاصله آن تا مرکز استان (مشهد) ۴۸۱ کیلومتر و تا تهران ۱۳۲۰ کیلومتر است.

بخشها و آبادیها

شهرستان بیرجند از چهار بخش تشکیل می‌شود:

۱) خوسف، ۲) درمیان، ۳) سربیشه، ۴) مرکزی

• بخش خوسف: از چهار دهستان تشکیل می‌گردد:

۱ - براکوه به مرکزیت روستای گل، وسعت تقریبی دهستان حدود ۷۴۰

کیلومتر مربع و دارای حدود ۱۶۰ آبادی است.

۲ - دهستان جلگه ماژان به مرکزیت روستای ماژان، وسعت تقریبی آن

۹۱۸ کیلومتر مربع و شامل ۱۵۵ ده است.

۳ - دهستان خوسف به مرکزیت خوسف، وسعت تقریبی آن ۵۰۵۱

کیلومتر مربع، با ۱۹۵ آبادی است.

۴ - دهستان قلعه زری به مرکزیت علی آباد به وسعت ۷۵۳۷ کیلومتر مربع

و تعداد آبادیهای آن ۹۴ می باشد.^۱

● بخش درمیان: از پنج دهستان تشکیل می شود:^۲

۱ - دهستان درمیان به مرکزیت روستای درمیان، با وسعت تقریبی ۸۴۱

کیلومتر مربع و تعداد ۷۷ آبادی.

۲ - دهستان طبس مسینا به مرکزیت روستای طبس مسینا، با وسعت تقریبی

۲۰۷۲ کیلومتر مربع و دارای ۶۰ روستا

۳ - دهستان فخر رود به مرکزیت گسک، به وسعت حدود ۱۸۲۳ کیلومتر

مربع و ۱۶۸ آبادی.

۴ - دهستان قهستان به مرکزیت دُرخش، با ۸۸۰ کیلومتر مربع وسعت و

۱۵۰ روستا.

● بخش سریش: از سه دهستان تشکیل می شود:

۱ - دهستان درح به مرکزی روستای درح، با ۲۷۵۵ کیلومتر مربع وسعت و

۱۲۹ روستا.

۲ - دهستان مؤمن آباد به مرکزیت سلم آباد، با وسعت تقریبی ۳۰۵۲

۱ - فصلنامه تحقیقات جغرافیا، تابستان ۱۳۷۰، چاپ آستان قدس رضوی.

۲ - همان.

کیلومتر مربع و ۲۱۳ روستا.

۳- دهستان نهارجان به مرکزیت روستای کلاته سلیمان، با ۱۲۱۶ کیلومتر مربع و ۱۴۴ آبادی.

● بخش مرکزی: شامل شش دهستان است:

۱- دهستان القورات به مرکزیت حاجی آباد و به وسعت ۱۰۶۵ کیلومتر مربع و ۲۱۹ روستا.

۲- دهستان باقران با مرکزیت امیرآباد، با ۱۸۲۰ کیلومتر مربع وسعت و ۳۴۳ روستا.

۳- دهستان فشارود به مرکزیت کندر، با ۱۱۶۴ کیلومتر مربع وسعت و ۸۳ روستا.

۴- دهستان کاهشنگ به مرکزیت مرک، دارای ۸۰۶ کیلومتر مربع وسعت و ۱۵۲ روستا.

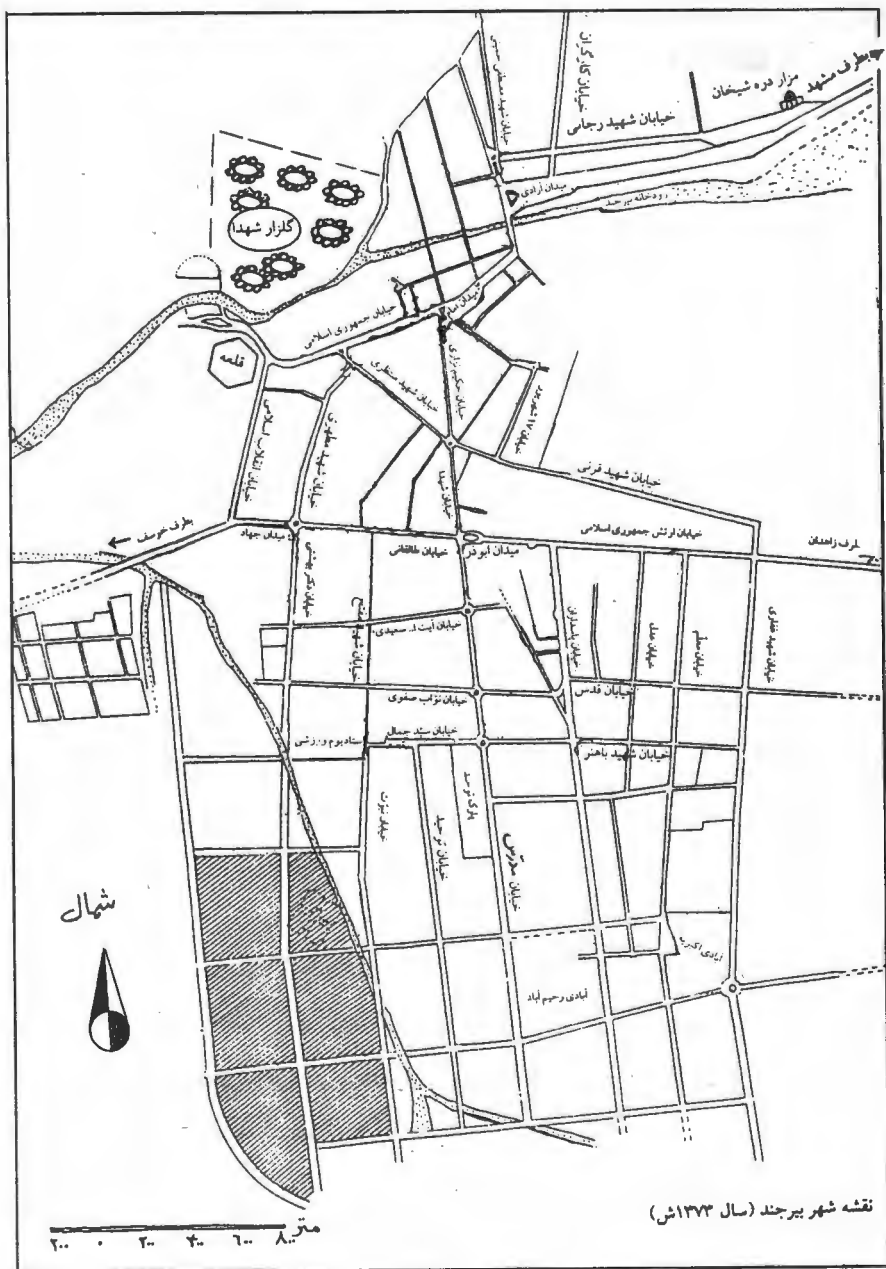
۵- دهستان مود به مرکزیت مود، که وسعت تقریبی آن ۹۳۲ کیلومتر مربع و دارای ۳۰۰ روستا است.

۶- دهستان شاخنان به مرکزیت گزار، که وسعت تقریبی آن ۷۹۳ کیلومتر مربع و شامل ۱۶۱ آبادی است.

جمعیت

بر اساس آمارنامه استان خراسان که در سال ۱۳۷۰ ش. انجام شده جمعیت شهر بالغ بر ۱۰۰۶۴۰ نفر بوده است.

جمعیت شهرستان بیرجند در سال ۱۳۶۵ طبق سرشماری عمومی ۳۶۱۴۰۳ نفر بوده است که تراکم نسبی آن حدود ۵/۵ نفر در هر کیلومتر می باشد. جمعیت شهر در این سال ۸۱۷۹۸ نفر بوده است.



آب و هوا

شهرستان بیرجند در سرزمینی شامل جلگه، دشت، کویر و ارتفاعات قرار گرفته و آب و هوای آن خشک و نیمه خشک است.

این منطقه از رشته کوههای متعدد پوشیده و فاقد درخت و جنگل است. روستاهای آن پراکنده و بارندگی آن کم است. ماههای بارانزای آن، دو ماه آخر زمستان و یک ماه اول بهار است. هوای شهرستان خشک و مایل به گرمی است. در تابستان درجه حرارت به ۳۸ درجه سانتیگراد و در زمستان گاهی تا ۸ درجه زیر صفر می‌رسد. خشکی آب و هوا و کمی باران باعث شده است که امراضی مانند سل و رماتیسم در این منطقه دیده نشود.

محصولات کشاورزی

در باغات و مزارع شهرستان بیرجند انواع اقسام میوه‌ها بویژه انگور، خربزه، هندوانه به عمل می‌آید در شهر بیرجند و بعضی از قصبات دیگر عنباب نیز بسیار است. کتیرا و کندر و انقوزه و ترنجبین و قارچ و شیرخشت از دیگر محصولات این دیار است.

غلات و حبوبات این منطقه عبارتند از: گندم، جو، ارزن، عدس، لوبیا، نخود و باقلا و ... کشت زعفران و زرشک هم در این ناحیه از قدیم معمول بوده است. از جمله دشتهای مستعد برای کشاورزی تک سهلو و چاه داشی‌رامی توان نام برد^۱

کوهها و رودخانه‌ها

بخش در میان دارای کوههایی است که می‌توان آنها را به سه گروه تقسیم کرد:

۱ - روابط عمومی فرمانداری بیرجند (جزوه معرفی بیرجند).

۱ - رشته کوههایی که از کوه بینالود نیشابور شروع می‌شود و به درمیان می‌رسد.

۲ - کوههای طبس مسینا که دنباله کوههای گزیک و شادکوه می‌باشد.

۳ - ارتفاعات اطراف دشت رزگ، ارتفاعات باقران از ناحیه ریج شروع می‌شود و در نزدیکی مود خاتمه می‌یابد.

بلندی کوه باقران ۲۵۹۵ متر و در ۱۲ کیلومتری جنوب بیرجند واقع است. کوه شیشه و رشته ارتفاعات شادکوه و آب گرم در قسمت جنوبی کوه باقران و در کنار کویر قرار گرفته‌اند.

ارتفاعات عربخانه در جنوب، دنباله کوه باقران می‌باشد و معدن سنگ منیزیت نصرآباد در این رشته ارتفاعات قرار دارد.

کوه بنه، در ۵۱ کیلومتری شرق بیرجند دارای ۲۷۸۷ متر ارتفاع و کوه میناباد از کوههای مؤمن آباد حدود ۳۰۰۰ متر ارتفاع دارد.

در شهرستان بیرجند رودخانه‌ای که همیشه جریان داشته باشد وجود ندارد. مگر چندین رودخانه بهار آب که آب آنها شور است. آنها عبارتند از:

۱ - رود شور یا رود بیرجند، که از کوههای مؤمن آباد بیرجند سرچشمه گرفته و پس از عبور از شهر بیرجند به کویر لوت می‌ریزد.

۲ - رودخانه گارازگان، که فقط چند ماه در سال جریان دارد.

۳ - رودخانه سهل آباد، که در ماههای اول سال جریان دارد.

۴ - رودخانه‌های کیشه، خونیک و حاجی آباد نیز از رودخانه‌های فصلی‌اند. کویر میغان: ۱۱۲ کیلومتر مربع وسعت دارد.

صنایع

شهرستان بیرجند استعدادهای سرشاری برای صنعتی شدن دارد. شهرک صنعتی

بیرجند که به تازگی^۱ واحدهایی از آن راه اندازی شده، نمونه‌ای گویا از این مدعاست. در حال حاضر ۵۵ فقره موافقت اصولی به منظور طرحهای صنعتی صادر شده که واحدهای یخچال سازی، فرآورده‌های گوشتی، تولید کشک و مربا، تولید موزاییک، سرامیک و دیگر ادوات کشاورزی در شهرک مزبور به مرحله مطلوبی رسیده و واحدهایی که هنوز به بهره‌برداری نرسیده و مشغول عملیات ساختمانی اند عبارتند از: تولید ماکارونی، یخ‌سازی، سورتینک، بسته‌بندی زرشک، نوشابه، شیر پاستوریزه، دفتر سازی، و پتوبافی. علاوه بر واحدهای صنعتی موجود در این شهرک، کارخانجاتی در سطح شهرستان به طور پراکنده فعال هستند، مانند کارخانه قند اسدآباد، تولید آجر سفال و تایر و تیوپ (در حال احداث) کارخانه اکسید منیزیوم، صابون سازی بهکف و ...^۲ این در حالی است که در روستاهای این شهرستان صنایع دستی از قبیل سفالگری، بافت سبد، حصیر، زیلو، گلیم بافی، نمد مالی، گیوه دوزی، پارچه بافی و ریسندگی، رواج دارد.

در سطح شهرستان بیرجند حدود ۱۷ هزار دار قالی وجود دارد^۳ که حدود ۳۵ هزار نفر را به کار مشغول داشته است.

با توجه به اهمیت صنعت فرش در اقتصاد منطقه و تحصیل ارز توسط این صنعت و این که فرش این منطقه شهرت جهانی داشته و به خارج صادر می‌شود لازم است توجه بیشتری به بهداشت کارگاههای قالی‌بافی معطوف گردد. در این راستا دادن تسهیلات لازم به بافندگان فرش و طرح بیمه همگانی قالی بافان و فعالتر کردن شرکتهای تعاونی فرش بافان، ضروری به نظر می‌رسد.^۴

۱ - تابستان ۱۳۷۳ ش.

۲ - روابط عمومی فرمانداری بیرجند.

۳ و ۴ - روابط عمومی فرمانداری بیرجند (جزوه صنعت قالی بافی)، تابستان ۱۳۷۳.

معادن

در کوههای اطراف بیرجند معادن سرب، آهن، مس، طلا، نقره، زغال طبی، پنبه نسوز و منیزیت و در بعضی نقاط نیز آب معدنی وجود دارد که مشهورترین آن، آب گرم گجمرخ بیرجند است. این آب برای معالجه بعضی از امراض پوستی مفید است.

هم اینک در نقاط مختلفی (چون چاه رستم، نهمند، نصرآبادعریخانه، زاهو، دودو...) معدن سنگ منیزیت در حال بهره‌برداری است و کارخانه مربوط به پالایش و تبدیل این ماده معدنی در نزدیکی سربیشه واقع است.

در قلعه زری واقع در ۱۸۰ کیلومتری جنوب بیرجند معدن در حال بهره‌برداری مس واقع است که سالانه حدود ۴۰۰۰۰ تن سنگ مس از آن استخراج می‌شود. معدن سنگ آهک نیز در گرماب واقع در ۲۰ کیلومتری اسدآباد بیرجند قرار دارد. معدن شن و ماسه هم در اطراف بیرجند به وفور یافت می‌شود.^۱

به تازگی در روستای دهسلم معدن اورانیوم کشف شده که وجود تپه‌های زردرنگ اورانیت مبین این حقیقت است.^۲

آثار تاریخی

۱ - قلعه پایین شهر که ساختمان آن مربوط به عصر صفویه است و ۳۰۰ الی ۴۰۰ سال قدمت دارد. این قلعه بر روی تپه‌ای قرار گرفته که با کوچه‌های تنگی به شهر وصل می‌شده است و به عنوان دژی در مقابل

۱ - روابط عمومی شهرداری بیرجند (جزوه عملکرد)

۲ - همان.

- حمله متجاوزان از شهر محافظت می‌کرده است.
- ۲ - مقبره محمد بن حسام در روستای خوسف که بر روی تپه‌ای در مزرعه‌اش با منظره زیبا و دیدنی قرار دارد.
- ۳ - مقبره حکیم نزاری که به تازگی توسط انجمن ملی آثار باستانی بازسازی و به عنوان فرهنگسرای حکیم افتتاح گردیده است.
- ۴ - قلعه خوسف که در ۴۰ کیلومتری جنوب غربی بیرجند بر فراز کوهی به چشم می‌خورد قدمت این قلعه از قلعه بیرجند بیشتر است.
- ۵ - ساختمان ارگ که توسط معماران یزدی ساخته شده و این ساختمان یکی از کاخهای خوانین علم بوده است.
- ۶ - حسینیه امام رضا (ع) «شوکتیه سابق» که مقارن با ساختمان ارگ ساخته شده است و از قصرهای مربوط به حاکمان علم می‌باشد.
- ۷ - ساختمان اکبریه و رحیم‌آباد که محل زندگی خانواده اشرافی علم بوده است و اینک ساختمان اکبریه به عنوان موزه و مرکز میراث فرهنگی فعالیت می‌کند.
- ۸ - بند دره این بند روی یکی از دره‌های کوه باقران در جنوب بیرجند واقع شده است طول تاج بند در حدود ۳۶ متر ارتفاع آن ۱۵/۵ متر و عرض آن در تاج ۳/۸ متر است
- ۹ - بند عمر شاه این بند در حدود ۷ کیلومتری جنوب غربی بیرجند بنا شده است ارتفاع آن ۳۵ متر، طول آن در قسمت تاج ۳۲ متر و عرض آن ۳/۵ متر می‌باشد.
- در بعضی نواحی دیگر منطقه آثار دیگری هم دیده می‌شود مانند قلعه‌های فورگ، سریش، مختاران و ... غار چنشت و ...



عکس مربوط به قلعه پایین شهر است که مربوط به عصر صفویه بوده و حدود سیصد الی چهار صد سال قدمت دارد.



ساختمان ارگ بیرجند که به همت معماران یزدی ساخته شده است.

فصل چهارم

یادی از بزرگان

پیرچند

ستارگان هدایت

زندگی و سلوک بزرگان نیکوترین الگو برای نسل امروزین ماست. همانان که سرد و گرم روزگار را چشیده‌اند و تاریخچه زندگی‌شان، با کوله‌باری از تجارب در پیش روی ماست. آنان که زهد و وارستگی هدیه‌آور صفای باطنی و جاری ساز چشمه‌های حکمت از قلب بر زبان‌شان شد و خدمت به اجتماع و مردم‌داری آنان و بی‌توجهی به مادیات و انجام اعمال صالح و سیر و سلوک معنوی، مهرشان را در دلها استوار ساخت و در یک کلام تعبد و ورع آنان، جهانی از پاکی و نور را برای زندگی دنیا و آخرتشان فراهم آورد.

ابرار و بزرگان، نشانه‌ها و جلوه‌هایی از نور حقیقت، فرا راه مایند که با استفاده از آنها در راه حق پرتوان‌تر باشیم. این ستارگان هدایت، راهنمای جویندگان حق‌اند. حال که در عصر ما فکرها و امکانات آماده‌تری وجود دارد، می‌طلبند که با حرکتی قابل قبول، آثار بهتری برای آیندگان به‌جاگذاریم.

حکیم نزاری، دلباخته اهل بیت (ع)

حکیم سعدالدین نزاری متوفی (۷۲۱ ه. ق.) از مشاهیر، حکما و معاریف عرفا، طبعش لطیف و سخنانش مقبول خاص و عام بوده است. او مردی لاغر اندام بود به همین سبب به «نزاری» متخلص می‌شده است. پس از دویست سال از

رحلتش در بیرجند، جسدش بی آنکه پوسیده شده باشد در قبر هویدا شد.^۱
 حکیم نزاری همانند ناصر خسرو در انزوا می زیسته است. جامی معتقد
 است که حافظ در غزلسرایی تابع سبک حکیم نزاری بوده است.
 حکیم نزاری علاوه بر دیوان غزلیات که حاوی بیست هزار بیت است،
 منظومه ای به نام دستور نامه و کتاب دیگری به نام سفرنامه دارد.
 در دستورنامه می گوید:

دروم چنان پرکن، از حب آل که دیگر نگنجد در آن قیل و قال
 محبت او نسبت به خاندان عصمت و طهارت (ع)، ضرب المثل بوده و
 مشهور است که:

محبت تو چنان محکم است در دل من
 که اعتقاد نزاری به خاندان علی

دیدار با سعدی در بیرجند^۲

حکیم نزاری با سعدی دوست و مصاحب بوده است و سعدی دو بار برای دیدار
 او به بیرجند آمده بود و حکیم نیز در اشعار منظومه اش از او و سفر خود به
 شیراز یاد کرده است.

گویند در سفر حکیم نزاری به شیراز سعدی در پذیرایی از او فوق العاده
 کوشش و احسان کرده از این رو حکیم بیش از سه روز در شیراز نماند و
 هنگامی که سعدی به بیرجند آمد، حکیم نزاری در مزرعه مشغول کار بود.
 حکیم در پذیرایی از سعدی تکلفی به خود راه نداد و طبق عادت همیشگی غذا
 تهیه کرد و به طور ساده و سهل رفتار کرد. گفته اند اقامت سعدی در بیرجند سه

۱ - تاریخ مفصل ایران، ص ۵۴۵.

۲ - بهارستان، ص ۱۹۶.

ماه طول کشید و هنگامی که وی عزم رفتن به شیراز کرد، حکیم به اصحاب خود اشاره کرد که شرط پذیرایی رابه جا آورند و یکماه تمام در پذیرایی از سعدی کوشید.

آثار حکیم نزاری عبارتند از:

- ۱ - قطعات نزاری
- ۲ - دیوان غزل
- ۳ - یک مثنوی کوتاه
- ۴ - دو نامه منظوم
- ۵ - دستور نامه در آداب معاشرت
- ۶ - مثنوی بر وزن حدیقه حکیم سنایی
- ۷ - ترکیبات و ترجیعات
- ۸ - ابیات مثنوی
- ۹ - ادب نامه به سبک شاهنامه
- ۱۰ - سفرنامه به سبک مثنوی مولوی
- ۱۱ - ساقی نامه به سبک خسرو و شیرین

گزیده‌ای از اشعار حکیم نزاری:

بسیار عمرها و بسی روزگارها
 بگذشت و کارها بنگشت از قرارها
 دانی چراست این همه اضداد و اختلاف
 تا عاقلان دور کنند اعتبارها

بر لبم کس خنده‌ای هرگز ندید الا که خود
در میان گریه بر احوال خود خندیده‌ام

* * *

در مذهب عاشقان قراری دگر است
در سر می عشق را خماری دگر است
هر علم که در مدرسه حاصل کردیم
کار دگر است و عشق کار دگر است

* * *

چه بایدم دل شوریده بر جهان بستن
جهان، جهان و نیرزد به غصه بنشستن
نزاریا چه کنی قصه، چاره چیست؟ همین
ز خویشتن بریدن به دوست پیوستن

* * *



مقبره حکیم نزاری در خیابان حکیم نزاری بیرجند که به تازگی از سوی انجمن ملی آثار باستانی بازسازی شده و به فرهنگسرای حکیم مشهور گردیده است.

مولانا شمس الدین زاهد

مولا شمس الدین زاهد خوسفی، عالمی جلیل و مروج احکام دین بود، در ابتدای قرن هفتم می زیسته است، همه علمای معاصرش بر مقام استادی و تقوای او اتفاق نظر داشتند. حافظ قرآن بود و سی سال نماز صبح را با وضوی نماز عشاء خواند. هرگز کلمه لغو یا سهو بر زبان جاری نساخت. وی در «درب نمک خوسفرو» بیرجند مدفون گشته است.^۱

۱- رجال قائن، محمد حسین آیتی، ص ۱۰.

مولا محمد بن حسام

وی نوهٔ مولا شمس الدین از شعرای شیعه، زاهد و فاضل اهل خوسف بود. بعضی او را از اولیاء الله خوانده‌اند. تمام عمرش را در عبادات و مجاهدات، با خلوص و صدق نیت و صحت عقیده گذرانید و در معاش به کشاورزی و زراعت و اجرت نوشتن قانع شد. هیچ ظالمی را مدح نکرد.^۱

چنانکه مشهور است ابن حسام درختان تاک داشته است. روزی می‌فروشی انگورش را خریده و به مصرف شراب رسانده است. وقتی ابن حسام آگاه شد دیگر انگور نخورد و یک نهال تاک هم ننشاند. وی در تمام عمر حتی یک عمل حرام انجام نداد و از مکروهات، کمال اجتناب را داشت. در هنگام وفات به فرزندان و اطرافیان گفته است: بحمدالله در مدت زندگانی مرتکب امری از امور حرام نشده‌ام.^۲

محمد بن حسام مردی به غایت خوشگوی و اهل فضل و قناعت بوده و انقطاعی تام داشته است. روزها در مزرعه‌اش به کارهای زراعتی مشغول می‌گشت و پیوسته زبانش به شعر مترنم بود. به شب زبان من و مدح اهل بیت رسول

به روز شغل من و کسب قوت مایحتاج غالب وقت خویش به خلوت و اختفا و عزلت به سر می‌برد و هیچ گاه به خانهٔ مریدان تردد نمی‌کرد و مایل به مهمانی با بزرگان و اعیان نبود و اکثر

۱ - همان.

۲ - بهارستان، ص ۲۵۱.

اوقات خود را در مزرعه‌اش، در ریچ^۱ می‌گذراند. وی در سال ۸۷۵ ق. در ۹۲ سالگی بدرود حیات گفت.

گزیده‌ای از اشعار ابن حسام:

همه سال و مه روی در گوشه‌ای

قناعت نمودم به کم‌توشه‌ای

شکم چون به یک نان توان کرد سیر

مکش منت سفره‌ اردشیر

* * *

دلا از عالم کثرت گذر کن تا که جان بینی

قدم در کوی وحدت نه که خود را در امان بینی

مشو غره به رعنائی رها کن زیب و زیبایی

که ناگه دیده بگشایی نه این بینی و نه آن بینی^۲

* * *

هله ای عاقلان دوراندیش

شد علی را قضا ارادت کیش

گل ز رویش چمن چمن ریزد

دُر ز درجش عدن عدن ریزد

گه سر تاج و سروری دارد

گه به قنبر برابری دارد

حسن گیتی ز آب و تاب علی است

عرش یک صفحه از کتاب علی است

۱ - منطقه‌ای در حوالی خوسف.

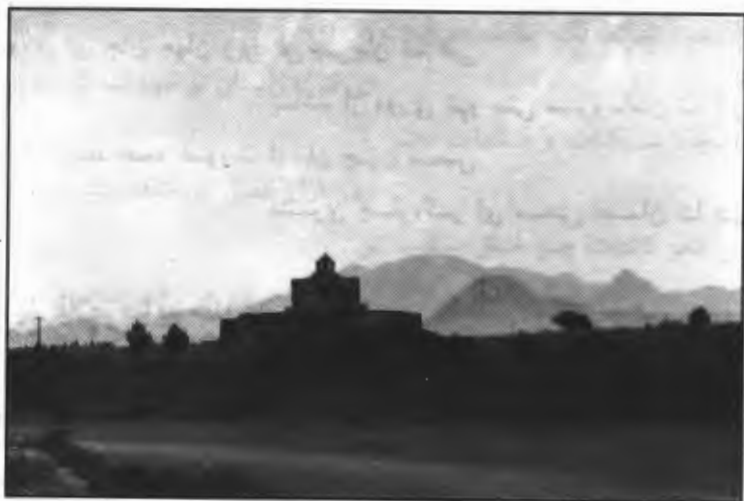
۲ - مجالس المؤمنین، ص ۵۳۳.

علی اصغر خوشفی، تقوا پیشه‌ای ژرفنگر

او از علمای مشهور این ولایت است. در بیرجند متصدی امور شرعی بوده و ایامی را در اصفهان در درس سید حسن مدرس^۱ شرکت می‌کرده و از بزرگان عصر خویش به گرفتن اجازاتی نائل آمده و استادش او را به دقت نظر و تقوا توصیف کرده است.

کتابهای زیادی دارد؛ از جمله: شرح النافع در فقه، کتاب تفسیر قرآن، شرح الفیه ابن مالک و رساله‌های دیگر.

این عالم بلند پایه در روز دوشنبه ۱۵ ذی القعدة سال ۱۳۲۷ در بیرجند وفات کرد و در قبرستان پایین بیرجند قبه‌ای دارد.^۲



مقبره محمد بن حصام در روستای خوشف

۱ - وی غیر از شهید مدرس است.

۲ - بهارستان، ص ۳۱۵

عارفی ریاضیدان

شهاب‌الدین نه‌بندانی، اسمش میرزا محمد ابراهیم و شهرتش میرزا شهاب و اهل نه‌بندان بیرجند می‌باشد. وی شاعر و فاضلی عارف پیشه و نکته سنج بوده که در علوم ادبی و ریاضی، حوزهٔ درسی داشته است. قصاید، غزلیات، ترجیعات و مرثیاتی بسیار دارد. در سال ۱۲۹۸ قمری در بیرجند وفات یافت.^۱

نمونه‌ای از اشعار او

بیا ای ساقی عشق و بده پیمانهای دیگر

از این افسون بیا بگذر، بخوان افسانه‌ای دیگر

رسم من گر به کوی دوست دیگر حلقهٔ چشم

نیفتد بر در و بر حلقهٔ کاشانه‌ای دیگر

* * *

دوری ای جان جهان زین تن بی‌جان تا کی

باشم از دوری تو بی سروسامان تا کی

تا نبینند همه صورت ایمان چون شمس

نشوی جلوه‌گر ای معنی ایمان تا کی

سید غلامرضا بیرجندی

این فقیه عالیمقام شیعه. در سیدان بیرجند به دنیا آمد و در جوانی پس از فراگیری مقدمات علوم اسلامی به اصفهان رفت و تحصیلاتش را به کمال رساند. آنگاه به بیرجند برگشت و به تدریس و قضاوت و فتوای پرداخت؛ تا اینکه دامنهٔ آشوب بایبگری در آن عصر به بیرجند هم کشیده شد. در آن ایام امور دینی به دست این شخصیت عالیقدر و علامه سید ابوطالب بیرجندی بود.

هر دو شخصیت در برابر این بدعتها ایستادگی کردند و آن فتنه را از بین بردند. در همان روزگار سید غلامرضا بیرجندی به یکی از روستاها در چند کیلومتری شهر سفر کرد. در آنجا یکی از بابیان، که سید را شناخت در غذایش زهر ریخت و بر اثر آن مسموم و شهید شد و در سال ۱۲۷۰ هجری قمری پیکر پاکش در بیرجند مدفون گردید.^۱

شاعری خوش صوت و نکته سنج

محتاج نهبندانی، فاضلی خطیب و شاعری شیرین زبان بوده است. محل اقامت این سخندان نکته سنج قصبه نهبندان از توابع بیرجند بود. وی خط نستعلیق را به زیبایی تمام می نوشت. در مدح رسول اکرم (ص) گفته است:

اصبحت شائقاً لک یا شافع النشور

ای کرده زآستان تو خورشید کسب نور

ایجاد ممکنات و مقامات دهر را

روز ازل طفیل تو شد منشأ صدور

ای فخر کائنات چو خلق عظیم تو

فرموده وصف در رقم محترم غفور

علی اکبر خوسفی

او در روستای خوسف زندگی می کرده و به تقدس و تقوا موصوف و به فضل و آداب معروف بوده است. تخلصش به مجرم خوسفی، شاهد حال و قطعات شعرش مؤید این سخن است. شعرش اغلب در موعظه و نصیحت است.^۲ که

۱ - شهیدان راه فضیلت، ص ۴۸۰.

۲ - بهارستان، ص ۲۹۴.

نمونه‌ای از آن را می‌خوانید:

ای بسا معصیت آلوده و نافرمانی

شرم بادت ز خدا تا کی‌ات این نادانی

همنشینان تو در زیر لحد خاک شدند

چشم عبرت بگشا خواجه اگر انسانی

ای که از عاقبت امر نداری خبری

گشته سرگشته این وادی سرگردانی

مجرما واقف دم باش عزیزان رفتند

و ندر این دیر خرابات تو هم مهمانی

سراینده‌ای شوخ طبع

علی اشرف صبحی، از مشاهیر شعرای عصر خویش است. سالها در اصفهان

بوده و سپس به وطن اصلی خود بیرجند مراجعت کرده است. وی در قرن

دوازدهم می‌زیسته و مردی بذله‌گو و شوخ طبع بوده است او می‌گوید:

این خط جاده‌ها که به صحرا نوشته‌اند

یاران رفته با قلم پا نوشته‌اند

لوح مزارها همه سر بسته نامه‌ها

کز آخرت به مردم دنیا نوشته‌اند^۱

منزوی، دانشمندی شاعر

آخوند ملا اسماعیل، متخلص به منزوی، دانشمندی متقی و شاعری انزوطلب

بود که در بیرجند اقامت داشته است، عبدالکریم اشراق او را چنین ستوده است:

همچو طبعت صدف گوهر اسراری نیست
 چون طراز قلمت کلک گهرباری نیست
 گر بود دیده انصاف، سخن سنجان را
 همچو طرز سخت شیوه گفتاری نیست
 راز دل با تو گر اشراق کند جا دارد
 منزوی چون تو دگر محرم اسراری نیست^۱

شاعری از روستای ماژان

حسین شاکری از روستای ماژان بیرجند، علاوه بر ذوق وافر شعری، به فضل و تقوا آراسته بود و در زمره شاگردان مولانا محمد بن حسام و تربیت یافته اوست.

گفته اوست:

قسم به نطق گهربار پاک ابن حسام
 که کرد دامن آخر زمان پر از گوهر
 که شاکری ز ولای علی نخواهد گشت
 به حنجر ار نهدش خارجی دون خنجر
 تو و محبت هر کس که خاطرت خواهد
 من و ارادت سلطان اولیا حیدر

شیخ عبدالحسین فنودی

او محدثی فاضل و مورخی سخن‌دان و شاعری شیرین‌زبان بود. در روستای فنود از توابع بیرجند، با عرق جبین روزگار گذرانید و به زهد و انزوا زیست.

دیوان غزلیات و قصایدی در دو هزار بیت دارد.^۱

نمونه‌ای از اشعار فنودی

به عالمی ندم کلبه محقر خویش

گدای گوشه‌نشین امیر کشور خویش

چه حاجت است که بینند اهل حشمت و جاه

به صبح و شام مرا حلقه‌وار بر در خویش

هزار شکر که مردود روزگار شدم

ز خلق رستم و بستم طمع به داور خویش

به آب دیده بشویم کتاب فضل و هنر

به آه سینه بسوزم شکسته منبر خویش^۲

میر بذله‌گو

او اهل خوسف و آگاه بر تواریخ و قصص بود و طبعش به بذله‌گویی و مضمون

جویی راغب بوده و از این جهت به میر بذله‌گوی معروف شده است.

این دو بیت در کمبود انگور از اوست:

هوای خوردن انگور خوسفی دارم

ولی به چشم نبینم ز خوسفی انگور

گر اتفاق نظر افتدم بر آن گاهی

بود درون سبدها که می‌برند از دور^۳

۱ - معاصر مؤلف کتاب بهارستان بوده است.

۲ - بهارستان، ص ۳۳۷.

۳ - همان، ص ۲۶۲.

میرزا محمد حسن سالک

سالک بیرجندی شاعری آراسته به مکارم اخلاق و پیراسته از رذایل بود که در اواخر عمر به عزلت به سر می برد. دیوان شعری دارد که نمونه ای از آن چنین است:^۱
به غیر رحمت او بنده را پناهی نیست

چه عذر آوری آنجا که اشتباهی نیست
مباش مودی این خلق و هر چه خواهی کن
که در طریقت سالک جز این گناهی نیست

ناموری از «دهک»

حاج اسماعیل دهکی اهل دهک عربخانه است وی سالها در نجف و کربلا از محضر اساتید بزرگ تلمذ کرده و بعد از مراجعت به ایران در مشهد متوطن شده است. او خلقی جالب و نطقی جاذب داشت که قلوب را به خود متمایل و مأنوس می کرد. در دوره اول مجلس مشروطیت از قاین به عنوان نماینده مجلس انتخاب شد. وی در سال ۱۳۳۵ قمری وفات یافته است.^۲

ملا محمد حسین فروغ

فروغ بیرجندی، شاعر نکته دان، سالها در اصفهان به سر برد و سپس به وطن خود بیرجند آمد. وی فاضلی اهل حال بوده که از طریق زهد و عبادت، تحصیل صفای باطن نموده است. اغلب اشعارش در مراثی و مدایح ائمه اطهار (ع) بوده است.
در مراثی گوید:

صوفی به کشاکش طلب می نازد

مفتی به حدیث من کتب می نازد

۱ - بهارستان، ص ۳۴۵، معاصر مؤلف بهارستان بوده است.

۲ - همان، ص ۳۵۷.

زاهد به نمازهای شب می‌نازد

عاشق به حسین تشنه لب می‌نازد

* * *

مردم گویند صحبت یار خوش است

طرف چمن و سبزه و گلزار خوش است

من می‌گویم که در عزای شه دین

از دیده روان سرشک گلزار خوش است^۱

فرزانه‌ای حافظ قرآن

سید علی بن سید عابد، عالمی کم‌نظیر، حافظ قرآن و در همه علوم متداول زمان خویش سرآمد بود. علما و فضلا در مجلس درس و وعظش حاضر می‌شدند. و به قدری باهوش بود که چهل بیت شعر را با یک بار شنیدن حفظ می‌کرد و خود نیز در شعر گفتن توانا بود؛ به طوری که در مقابل هر شعری که می‌شنید فی‌البداهه شعری می‌سرود. در یکی از روستاهای بیرجند به نام آفریز دارفانی را وداع گفته و همانجا مدفون شده است.^۲

زین العابدین درخشی

این عالم بزرگوار در بیرجند به تدریس و قضاوت اشتغال داشت چنانکه نوشته‌اند در ورع از محرمات دارای اراده‌ای قدسی و حالات عجیب بوده است. در عبادت راسخ و پایبند بود و از اول سحر در مسجد به عبادت می‌نشست.^۳

۱- بهارستان، ص ۳۱۴.

۲- رجال قائن، ص ۱۵.

۳- همان، ص ۲۴.

حاج محمد هادی مجتهد

حاج شیخ هادی، مجموعه کمالات و فضایل نفسانی بود. در فقه و اصول و مبانی احکام نظری و امور اجتماعی فکری عمیق داشت. در نجف اشرف به تکمیل مراتب علمی خود پرداخت و به همراه میرزای بزرگ شیرازی در رویدادهای تحریم تنباکو شرکت فعال داشت. در سال ۱۳۱۹ قمری پس از مراجعت به بیرجند به تولیت امور اوقات عامه پرداخت و مرجع امور شرعی گردید. تألیفات او عبارتند از:

- ۱ - مائده محمدیه: در شرح حال انبیاء
 - ۲ - بستان الناظر: شرحی بر کشکول شیخ بهایی
 - ۳ - ترجمه ادب الکبیر
 - ۴ - ترجمه عهدنامه امیرالمؤمنین (ع)
 - ۵ - دیوان قصائد و غزلیات، حاوی سه هزار بیت
- وی از زمره علمای طراز اولی بود که از سوی مراجع تقلید نجف برای نظارت بر متمم قانون اساسی مشروطیت تعیین گردید.^۱

مولا عبدالکریم اشراق

وی پس از ایامی تلمذ نزد آقا محمد بیدآبادی در اصفهان و بعد از مراجعت به وطن اصلی خود بیرجند، سفری به جانب کابل و بعضی شهرهای هندوستان کرده است.

وی ذوقی عارفانه و مشربیه حکیمانه داشت. در سال ۱۲۲۹ هجری قمری در بیرجند وفات نموده است.

۱ - بزرگان و دانشمندان شهرستان بیرجند (جزوه میراث فرهنگی).

نمونه‌ای از اشعارش:

به سر شوری ز سودای تو باشد

به دل داغ تمنای تو باشد

تجلی کن به طور سینه ما

که از روز ازل جای تو باشد

ز صورت آخرین، اشراق خواهد

که دائم در تماشای تو باشد

* * *

صاحب‌دلان بگویی آن شوخ دلربا را

کز حال دل بپرسد، عشاق بی‌نوا را

با نغمه‌های دلکش اشراق نغمه سنج است

آری ز عشق گلشن بلبل کشد نوا را^۱

مولا حمزه بیرجندی

او سرآمد افاضل در علم رجال و درایة الحدیث و از علمای بلند مرتبه در مباحث فقه و اصول بوده که در اصفهان از محضر سید محمد باقر شفتی رشتی و دیگر عالمان آن شهر تلمذ کرده است. گفته شده که قبل از شیخ انصاری (ره)، او جزواتی در مورد ظن و استصحاب نوشته که اکثر مطالب شیخ را در برداشته است. در اواخر عمر از امرای بیرجند رنجید و پس از مهاجرت به شهر طبس در آنجا فوت نمود.^۲

۱ - بهارستان، ص ۲۷۸.

۲ - همان، ص ۲۷۷.

علی اکبر مدرس

وی از فاضلان قرن اخیر است که شرحی بر کتاب معالم الاصول دارد. کتابی در فقه بر سبک مدارک نگاشته که حاکی از دقت و تتبع اوست. وی اهل «خوسف» بوده و همه کتابهای خود را بر طلاب خوسف وقف کرده است.^۱

جلال الدین یوسف کاتب

شیخ جلال الدین، عالمی عابد و فاضلی مجاهد بود و به زهد و عزلت ایام می‌گذراند. چنانکه نوشته‌اند، او در مدت سه‌روز، قرآن را از اول تا آخر می‌نوشت و در انجام نمازهای نافله و روزه‌های مستحب توفیق عجیبی داشته است. اشعاری از وی به یادگار مانده که اغلب در موعظه و پند است:

چون مرغ روح از قفس تن رها شود
با ساکنان عالم قدس آشنا شود
از دوزخ وجود سلامت چو بگذرد
شایسته تفرج دار بقا شود
موری است حرص، پای بر او مال پیش از آن
کاین مور، مار گردد و مار اژدها شود
یوسف اگر چه نوح بماند هزار سال
بعد از هزار سال نه آخر فنا شود

استاد شیخ بهایی

عبدالعلی بیرجندی در فن ریاضی و هیئت سرآمد حکما و در علوم عقلی و نقلی، از اعظام مشاهیر بود شیخ بهایی ریاضی و حکمت را نزد وی تلمذ کرده است.

عبدالعلی بیرجندی در زمان خود ستاره‌ای را شناسایی و کشف کرده که نزد اهلس معروف است. وی مردی متواضع، پرهیزکار و حکیم و دیندار توصیف شده است.^۱

شمس الدین موسوی، نابغه فصاحت

او واعظی متبحر و حافظی مفسر و در سخن پردازی و فصاحت، افصح المتکلمین قهستان بوده و در شهر بیرجند اقامت داشته است. از کتابهای او، شمس المجالس را می‌توان نام برد. وی در سال ۹۰۰ قمری وفات کرده است.^۲

شیخ شاهمراد باقری

حاج شیخ شاهمراد، اسوه زهد و تقوا و عالمی عامل از علمای عربخانه بیرجند بود، وی مدتها در روستای کیدشت به ترویج دین و تدریس اشتغال داشت. شاگردان زیادی از حوزه درسی‌اش بهره‌ها گرفتند و خود از محضر اساتید نجف و مشهد و بیرجند سالها بهره جست. او عالمی بود که با عمل دلها را تهذیب و تربیت می‌کرد. وی چنان وارسته بود که همه حرکات و حرفهایش درس بود. قرآن را با لحن ملکوتی می‌خواند که دلها به لرزه می‌افتاد. مقید بود که در هنگام اذان جلو مسجد با صدای بلند اذان بگوید. وی در سال ۱۳۷۲ ش در ۹۵ سالگی در مشهد به دیار دوست شتافت.

از آن مرد خداترس و مراتب اخلاص و توکل وی بر پروردگار، در میان مردم حکایت‌های شنیدنی معروف است که اگر بخواهیم همه را گرد آوریم خود مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد.

۱ - بهارستان، ص ۲۱۸

۲ - همان، ص ۲۴۰.

نوابه خفی، بانویی در سیر و سلوک

نوابه خفی، دختر میرزا محمد خان نهبدانی بانویی عارف و شاعر بود که در طریق سیر و سلوک الی الله زندگی را سپری کرد. دیوان شعری دارد که بعد از او گردآوری شده است. در سال ۱۳۰۸ قمری در کربلا در حرم حسینی مدفون گردیده است.

و اینک گلهایی از گلستان اشعار او^۱
ای دل به کوی راهروان، خاک راه باش
آنگه طریق بندگی آموز و شاه باش
جز مهر پنج تن نبود کنج سینهام
در روز رستخیز تو یا رب گواه باش
دستی بزن به دامن آل علی «خفی»
محروس پس مدام به حفظ اله باش

صبح شعاعی است از جمال محمد
شام سوادى ز روی خال محمد
شمس که فیضش رسد به جمله عالم
پرتو عکسی است از جمال محمد

مجتهد آیتی، در یادار فقه

شیخ محمد باقر آیتی از نوابغ روزگار بود. در سال ۱۲۷۶ قمری در بیرجند متولد شد و در ۱۲ سالگی برای تحصیل به مدرسه جعفریه قاین رفت. سپس در



مشهد مشغول تحصیل معقول و منقول گردید. گویند میرزا هدایت الله ابهری، مجتهد و مدرس معروف خراسان، بارها گفته بود من درس را فقط برای شیخ محمد باقر می‌گویم. پس از تکمیل مراتب فقه و اصول، راهی نجف اشرف شد و از مراکز علم و فقاہت آن روز بهره‌ها برد. در سال ۱۳۰۵ به بیرجند مراجعت کرد و در این شهر اقامت گزید.

او عالمی متبحر و فاضلی کامل بود و بر فقه شیعه و سنی تسلط کافی داشت؛ به‌طوری‌که می‌فرمود: برای من میسر است که از اول تا آخر فقه را بدون مراجعه به کتاب به رشته تحریر در آورم. وی تألیفات فراوان و ارزنده‌ای دارد که عبارت‌اند از:

- ۱ - «از احة الریبه»: در وجوب نماز جمعه در زمان غیبت
- ۲ - «اکفاء المکاید»: در رد عقاید باطله بعضی از مشایخ صوفیه
- ۳ - «ایضاح الطریق»: در محاکمه بین اصولیین و اخباریین
- ۴ - «دیوان اشعار»: حاوی بیست هزار بیت شعر
- ۵ - «رساله رجبیه»: در شرح زیارت ماه رجب
- ۶ - «رساله سیر و سلوک»: شرح سفرهای ایشان به کشورهای مسلمان
- ۷ - «ذخیره المعاد»: جامع طرق و اجازات
- ۸ - «زهر الریاض»: تعلیقه‌ای بر کتاب ریاض در فقه است
- ۹ - «سفینه القماش»: حاوی لطایف بسیار بر سبک کشکول شیخ بهایی
- ۱۰ - «صمصام مهدوی»: در رد رساله شمس الدین هروی
- ۱۱ - «عین الباصره»: در شرح تبصره علامه حلی
- ۱۲ - «عواید القرویه»: در شرح فواید الغرویه
- ۱۳ - «فصل الخطاب»: در اثبات نبوت خاصه
- ۱۴ - «فواید الکاظمیه»: در علم رجال و درایه

- ۱۵ - «فوائد الطوسیه»: در علم رجال و درایه
- ۱۶ - «فاکھة الذاکرین»: در ادعیه و زیارات
- ۱۷ - «کبریت الاحمر»: در شرایط منبر (در سه جلد)
- ۱۸ - «مفتاح الفردوس»: بیان اخبار فضایل و مصائب ائمه (ع)
- ۱۹ - «نصح الاستغاثه»: در حرمت شرب افیون و شراب و حشیش
- ۲۰ - «نور المعرفة»: در معارف اصول پنجگانه دین که اخبار ائمه (ع) و کلمات حکما در آن جمع شده است
- ۲۱ - «وثیقة الفقهاء»: در فقه استدلالی

۲۲ - «وقایع الایام»: در شرح وقایع و حوادث مهم

نمونه‌ای از اشعار آن عالم فرزانه

ای خدا توفیق را همراه کن ظلمت شب را قرین ماه کن
این خزف را گوهر نایاب دار در شمار خلص اصحاب دار
اندر این ویران و این بحر عمیق مرا دریاب ای خضر طریق
بعد از اینم شهره ایران مکن خانه انس مرا ویران مکن
وی در شب جمعه ۱۴ ذیحجه سال ۱۳۵۲ به رحمت الهی پیوست.^۱

ملا محمد پاکروان

ملا محمد پاکروان اهل نصرآباد عربخانه از توابع بیرجند است. وی مردی وارسته و متخلق به اخلاق اولیاء الله بود. در مشکلات و مسائل پناهگاه همه بود. از راه کشاورزی زندگی می‌گذراند و در زهد و تقوا نمونه و در یک کلام، انسانی کامل شناخته می‌شد. مکتب درسش، محفل انس و مهربانی بود و هرگز دلی از او رنجیده نشد.

در سال ۱۳۵۶ ش. دار فانی را وداع و در بارگاه شیخ صالح مدفون گردید.

آیت الله سید حسن تهامی، پناه محرومان

او از علمای بزرگ بیرجند بود که در محضر اساتید بزرگ حوزه نجف تلمذ کرد و به مقام اجتهاد نایل آمد. ایشان در حل مشکلات و انجام کارهای خیر و خدمت به مردم همت فوق العاده‌ای داشت و با قدرت بیان خود احکام و عقاید دینی را در دل شنوندگان جای می‌داد. وی که در سعه صدر و دلجویی از محرومان بی‌همتا بود سرانجام در سال ۱۳۸۰ قمری در ۷۶ سالگی به دیدار حق شتافت.^۱

علامه سید محمد فرزانه

او برادر بزرگ آیت الله سید حسن تهامی است که خواندن و نوشتن را در خانه فرا گرفت و تا کلاس ششم در مدرسه شوکتیه بیرجند تحصیل کرد. بعد از آن تحصیل علوم دینی را در حوزه علمیه بیرجند آغاز نمود و پس از چهار سال راهی حوزه علمیه مشهد شد و حدود یک سال در محضر اساتید آن حوزه کسب فیض کرد.

وی سخت عقیده مند بود که علم و ادب را باید برای تقویت و رشد معنویت فرا گرفت نه برای به دست آوردن مدرک و رسیدن به مقام و مال دنیوی.^۲ استاد فرزانه متفکری عمیق و عالمی با ذوق بود.

علامه فرزانه در سال ۱۳۹۲ قمری درگذشت و در مجاورت مرقد پاک حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) در شهر ری به خاک سپرده شد.

۱ - بزرگان بیرجند (میراث فرهنگی بیرجند)، ص ۴۱.

۲ - مدارک پیشین، ص ۴۴.

سید کاظم حایری

این دانشمند جلیل از علمای مورد وثوق بیرجند بود. سخنی گیرا و قاطع داشت و با شجاعتی وصف نشدنی از حریم دین دفاع می‌کرد. وی مسجدی در بیرجند به نام مسجد علوی بنا کرده است.

استاد سید غلامرضا سعیدی، فرزانه‌ای روشن بین

استاد سعیدی در روستای نوزاد از توابع بیرجند دیده به جهان گشود. در مکتبخانه روستا دروس ابتدایی و قرآن را فرا گرفت و در مدرسه شوکتیه بیرجند ادامه تحصیل داد.

او کسی بود که در پی مقالاتی خطر یهود و مظلومیت ملت فلسطین را گوشزد کرد و جهان اسلام را از این خطر بر حذر داشت.

استاد سعیدی با تلاشی مستمر و برخوردی متعهدانه قلم را در جهت پاسداری از ارزشهای متعالی اسلام بکار می‌برد و وظیفه سنگربانی از اصول مکتب را به شایستگی انجام می‌داد. در دوران سیاه رژیم ستمشاهی با همکاری استاد شهید مطهری و آیت الله طالقانی، مسجد هدایت تهران را مرکزی جهت پرورش نیروهای متعهد قرار داد و شعاع هدایتگری این مجموعه، نقاط مبهم راه مبارزه را برای حق جویان آشکار می‌ساخت و آنها را به سرچشمه معرفت رهنمون می‌کرد.

استاد سعیدی با شوقی وافر برای برپایی نظام اسلامی کوشش می‌کرد و به امام خمینی (ره) عاشقانه مهر می‌ورزید. او پیروزی انقلاب اسلامی را بزرگترین نعمت دوران حیات خود می‌دانست و می‌گفت: با پیروزی انقلاب اسلامی گویا به همه آرزوهایم رسیدم.

کتابها و مقالات زیادی به رشته تحریر در آورده است. کتاب زندگانی حضرت محمد(ص) نوشته این استاد فرزانه چند سال پیش به عنوان کتاب سال در پاکستان شناخته شد.

استاد سعیدی از نخستین «اقبال» شناسان ایرانی بود که آن متفکر و مصلح بزرگ اسلامی را در ایران به اهل فکر و نظر شناساند و یی با این شعر اقبال به وجد و نشاط می آمد:

روح پدرم شاد که فرمود به استاد فرزند مرا عشق بیاموز و دگر هیچ
وی در سال ۱۳۶۷ ش. به رحمت ایزدی پیوست و در شهر مقدس قم مدفون گردید.



مرحوم سید فلازشا سعیدی

✱ استاد دکتر محمد ابراهیم آیتی، اندیشمند متعهد

استاد آیتی در سال ۱۲۸۲ ش بدنیا آمد. وی در حوزه علمیه بیرجند و مشهد تحصیل کرد و از سال ۱۳۲۰ شمسی تا ۱۳۲۹ در بیرجند به تدریس و موعظه اشتغال داشت. وی انسانی وارسته، فرزانه و اهل معرفت و تقوا بود. مطالب

علمی را با روشی جدید و قابل فهم برای همه بیان و تدریس می‌کرد. به نیاز جامعه توجه کافی داشت و در پی برآوردن نیازهای روحی و فکری جامعه، خصوصاً جوانان همت می‌گماشت. استاد آیتی را باید از پیشگامان مبارزه با تحریفات عاشورا دانست.

استاد آیتی از استوانه‌های علمی و محققین متعهدی است که با روشنگری و ژرف‌نگری در جهت هدایت نسل جوان قلم می‌زد. همکاری تحقیقاتی او با بزرگانی نظیر علامه شهید مطهری و شهید مظلوم بهشتی و آیت ... طالقانی نشانگر عمق بینش و شناخت او از مکتب حیاتبخش اسلام و از طرفی توجه به اقتضای زمان و مکان بوده است. شخصیت این استاد فرزانه می‌تواند الگوی مناسبی برای اندیشمندان و دانش پژوهان باشد که با درک واقعیت‌ها و بکارگیری درست اندوخته‌های علمی و تجربی خود، قدمی در راه هدایت جوامع بشری بردارند.

آثار او عبارت اند از:

- ۱ - «ترجمه تاریخ یعقوبی»
- ۲ - «تصحیح تفسیر شریف لاهیجی»
- ۳ - «آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا»
- ۴ - «افکار جاوید محمد(ص)»
- ۵ - «جهان در قرن بیستم»
- ۶ - «گفتار عاشورا» (با همکاری شهید دکتر بهشتی و آیت الله طالقانی و علامه شهید مطهری)
- ۷ - «آیینة اسلام»
- ۸ - «سرمایة سخن»
- ۹ - «فهرست ابواب و فصول اسفار»

۱۰ - «مرجعیت و روحانیت» (مجموعه مقالات از استاد و دیگر بزرگان)

۱۱ - «بررسی تاریخ عاشورا»

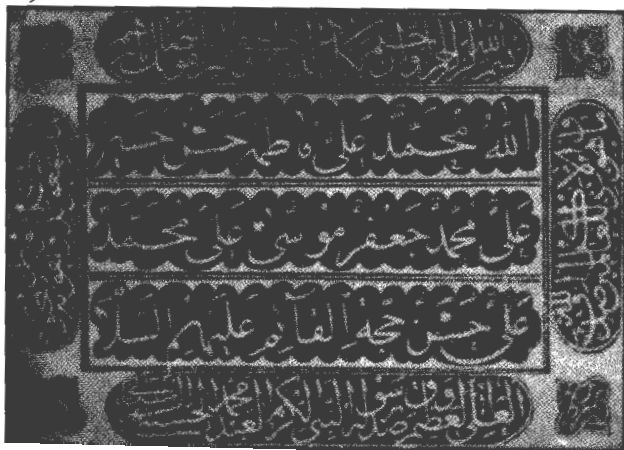
۱۲ - «ترجمه البلدان»

وی در سال ۱۳۴۴ شمسی در ۶۲ سالگی بر اثر سانحه‌ای درگذشت و در قبرستان ابوحنسین در قم مدفون گردید.

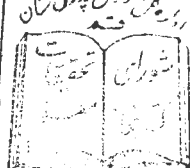
سید محمد شهرستانی، عالم هنرمند

این عالم جلیل، استاد مسلم در خطاطی بود. وی در کربلا دیده به جهان گشود و پس از تشرف به آستان مقدس امام هشتم (ع) به مدت پانزده سال از محضر اساتید حوزه علمیه مشهد بهره‌ها برد. در فن خطاطی استادی کامل بود و به علت نیاز محیط فرهنگی بیرجند به استاد خط، در بیرجند رحل اقامت افکند و شاگردان زیادی را تعلیم و تربیت نمود. علاوه بر تعلیم خط، در مسجد مصلاهی بیرجند اقامه نماز جماعت می‌کرد. استاد شهرستانی در مدت عمر خود هفت بار قرآن را با خط زیبا به رشته تحریر در آورد. وی در ۷۴ سالگی در دی ماه ۱۳۳۳ بدرود حیات گفت.^۱

شایان ذکر است که دو نفر از فرزندان استاد نیز فن خطاطی را از والد خود به ارث برده‌اند و از اساتید خط این منطقه محسوب می‌شوند.



مرکز تحقیقات فرهنگی	شماره ثبت:
۶۰۵۹	تاریخ:
۷۹ ۵، ۱۲	



حاج شیخ جواد عارفی

وی از علمای وارسته و مبارز بیرجند می‌باشد. در سال ۱۲۶۹ ه. ش. در روستای خرّمی عربخانه بدنیا آمد و پس از تکمیل مراتب علمی و حضور در درس بزرگانی همچون حاج شیخ عبدالکریم حایری، از خرمن معرفت و دانش، خوشه‌ها چید.

ایشان هم مباحثه حضرت امام خمینی (ره) و آیت‌... العظمی اراکی (ره) نیز می‌باشند. در طول مبارزات روحانیت متعهد در صحنه بوده‌اند و در جریان کشف حجاب توسط مزدور بی‌سر و پای استعمار (رضاخان) بارها به افشاگری و سخنرانی آتشین بر علیه کارهای رسوا و فساد انگیز او پرداخته است. وی همواره تحت تعقیب مزدوران استعمار خارجی بود. مدتی در روستای خرّمی به سر برد و بعد از آن به بیرجند آمد و سرپرستی مدرسه علمیه معصومیه را به عهده گرفت و به تربیت طلاب و فضلا همت گماشت. هم‌اکنون این اسوه مجاهدت و علم و تقوا در سن صد و پنج سالگی همچنان بعنوان الگوی کامل از یک روحانی در صحنه‌های مختلف تدریس و تبلیغ و... حضور دارد.

دیگر بزرگان

۱ - حاج شیخ محمد موحد معروف به عرب که از بزرگان و معاصران آیت ... تهامی بوده است.

۲ - حاج شیخ محمد حسین آیتی (۱۳۱۰ - ۱۳۹۱ ه. ق) عالمی محقق و فاضلی ژرفنگر بوده است. کتاب بهارستان - که ما در گردآوری این مجموعه از آن بهره‌ها برده‌ایم - از جامعترین کتابها در مورد رجال و اوضاع و احوال قهستان و قائن و... نوشته اوست.

کتابهای دیگر ایشان عبارت اند از: «مقامات الابرار»، «در غلطان».

۳- حاج شیخ محمد علی ربائی پدر محترم حاج شیخ مرتضی ربائی

۴- شیخ محمد علی دیانی، عالم وارسته.

۵- شیخ غلامرضا محتشمی.

۶- شیخ محمد علی عرفانی.

۷- حاج اسماعیل سدید، از شاعران فرهنگی بیرجند و معاصر سید محمد شهرستانی.

۸- دکتر محمد اسماعیل رضوانی، محقق و تاریخدان (متولد ۱۳۰۰ ش).

۹- دکتر محمد علی راشد محصل، پزشک و شاعر.

۱۰- دکتر محمد حسن گنجی، جغرافیدان (متولد ۱۲۹۱ ش).^۱

فصل پنجم

مزارهای مطهر

در منطقه

پیرچند

در سرتاسر ایران و بعضی از کشورهای اسلامی زیارتگاههایی وجود دارد که اغلب از اولاد و یاران ائمه (ع) می باشند و در ایام خاص، محل تجمع و زیارت عده زیادی از شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است. اکثر این زیارتگاهها شجره نامه و زندگینامه مکتوبی که قابل استفاده باشد ندارند لکن در هر منطقه، از قدیم الایام مورد توجه و عنایت مؤمنین بوده و در طول زمان کرامتهایی از آنها مشاهده شده است در منطقه بیرجند چند زیارتگاه وجود دارد که بعضی از آنها شجره نامه دارند.

مزار سیدالحسین

مرحوم محمد باقر آیتی در کتاب کبریت الاحمر می نویسد: دختری نابینا بود، گفت پنج من خوشه گندم جمع کردم و در مزار سید الحسین، پسر امیرالمؤمنین (ع) خیرات نمودم، چشمان مرا شفا داد. در مزار سیدالحسین، داخل روضه روی دیوار شمالی، ردپایی برهنه به روی یک سنگ سیاه با طول حدود ۳۰ سانتیمتر و عرض ۲۰ سانتیمتر قرار دارد، گفته می شود، جای پای امام رضا (ع) است. این رد پا مورد تفأل زائرین این بارگاه مقدس قرار می گیرد. بدین صورت که مهر نماز را به آن می چسبانند، اگر مهر چسبید تفأل خیر است و گرنه خیر نیست این مطلب را اکثر زائرین تجربه کرده اند.



مزار سیدالحسین در دهک عربخانه

چنانکه مشهور است وی حسین بن علی بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابی طالب (ع) و نام مادرش جنیه است. هر ساله زائران زیادی از گوشه و کنار سر ازادت بر آستان مقدسش می‌سایند.^۱

پیکری که همچنان سالم بود

در ناحیه چنشت بیرجند مزاری وجود دارد که به الحامد لله علوی معروف است. وی در زمان خلافت عباسیان به شهادت رسید و جسد او همراه با پیکر دو فرزندش در غاری پنهان؛ تا آنجا که پس از قرن‌ها همچون روز نخست تازه و سالم هویدا گردید. بعد از آن بر قبرش قبه و بارگاه ساختند.^۲

۱ - بهارستان، ص ۱۴۲.

۲ - بهارستان، ص ۱۵۱.

لاله‌های سرخ اهل بیت (ع)

شیخان نام محلی در نزدیکی بیرجند است . آن طور که مشهور است مرقد شهیدانی چند از نوادگان حضرت امام باقر(ع) در آنجا می‌باشد. این لاله‌های پرپر شدهٔ خاندان عصمت و طهارت در مبارزه با حاکمان جابر عباسی به شهادت رسیده‌اند.^۱



زیارتگاه دره شیخان در حوالی شهر بیرجند، محل دفن شهدایی از

نوادگان حضرت امام محمد باقر(ع)

مگو که دره شیخان ز آب و سبزه تهی است

که نزد اهل حقیقت چو باغ رضوان است

فدای غربت این کشتگان که در دلشان

هنوز یاد وطن چون شه خراسان است

شد این مزار به شیخان از آن سبب مشهور

که مدفن شهدای احد به شیخان است

مزار محمد رکن الدین و کرامتی شگفت

مزار محمد رکن الدین در روستای رکن الدین عربخانه از توابع بیرجند قرار دارد. محمد رکن الدین عالمی پارسا و مفسری توانا بوده است. مقبره‌اش در وسط رودخانه قرار گرفته بود. زمانی سیلی خروشان در آن رودخانه جاری شد. و موجبات اندوه همه اهالی گردید. چه آنکه بعد از آن هیچ امیدی به باقی ماندن مزار رکن الدین نبود. اما در کمال شگفتی همگان دیدند که رود به دو شعبه شد و مقبره را به صورت جزیره‌ای در میان گرفت و از دو طرف مقبره به مسیر خود ادامه داد از آن پس مردم منطقه آن مقبره را تجدید بنا کردند و برای ایشان همچنان محل تجدید عهد با دین و دیانت است.

مزار سید علی

مزار سید علی واقع در یکصد کیلومتری جنوب شرقی بیرجند می‌باشد. آقا سید علی شجره نامه مشخص و مکتوبی ندارد اما گفته می‌شود که از نوادگان امام جعفر صادق (ع) بوده است.

به موجب عشق و علاقه مردم به ائمه (ع) و فرزندان آن بزرگواران، پیوسته این مزار مورد توجه و احترام آنها بوده و بتازگی به نحو شایسته‌ای ساختمان آن تجدید بنا گردیده است.



یادگاری از امام موسی بن جعفر (ع)

در سفری که امام جواد (ع) از راه طبس مسینا و قهستان قصد تشریف به خراسان را داشته است همراه ایشان بانوانی از خاندان عصمت و طهارت بوده‌اند که یکی از آنها زینب دختر موسی بن جعفر (ع) است. گذر کاروان حضرت از روستای کاهین از بخش نهار جان می‌افتد و در این روستا نزول اجلال می‌فرمایند. در این میان به موجب کسالتی، زینب فرزند امام هفتم (ع) جان به جان آفرین تسلیم می‌کند و بر سر تپه‌ای به خاک سپرده می‌شود و مأمنی برای پناه جویان و محبان اهل بیت (ع) می‌گردد؛ که به نام مزار زینبیه «کاهین» مشهور است.

سالک بیا که فیض سعادت در این در است

این بارگاه دختر موسی بن جعفر است^۱

بارگاه شیخ صالح

یکی از اولیاء الله به نام «شیخ صالح» دارای قبه و بارگاه می‌باشد. اگر چه از احوال او اطلاع دقیق و مکتوبی نیست، لیکن از زمانهای دور تقدس و زهد و مجاهدات او سینه به سینه گشته است و الهام بخش مؤمنان این خطه بوده است. صحن مزار شیخ صالح در منطقه عربخانه از قدیم‌الایام محل دفن ابرار بوده و هم اکنون با دو گل خونین انقلاب اسلامی، به نام شهید جمشید بخشی نژاد و محمد رضا باقری زینتی دیگر یافته است.

فصل ششم

آداب و رسوم

سنتی مردم

پیرچند

فرهنگ و آداب و رسوم

آداب و رسوم هر منطقه برخاسته از طرز تلقی مردم از خود و جهان و عقاید دینی و مذهبی آنان است. سنت و رسمی زیبندهٔ مردمان مسلمان است که حسنه باشد و برای احیا و رشد معنویت و حل مشکلات اجتماع و فرد مفید و آموزنده واقع گردد. آنان که قدرت روحی و معنوی دارند. سنتهای غلط اجتماع را می‌شکنند و سنت حسنه و مفید را در جامعه بنیان می‌گذارند. در این فصل بعضی از آداب و رسوم سنتی بیرجند را به طور خلاصه می‌آوریم.

عزاداری منظوم در ماه محرم

به یادم اومه از ماه محرم	که تو مسجد، شدن جمعی فراهم
تموم ریش سفیدو جمع گشتن	چو پروونه به دور شمع گشتن
بله، از روضه خون، دعوت بکردن	به او هم عزت و حرمت بکردن
به هر شو، ^۱ روضه، مرثیه‌ای خوند	به نوم ^۲ هر شهیدی، روضه‌ای خوند
شو اول ز مسلم ناله سر کرد	زمظلومی او خون در جگر کرد

۱- شو = شب

۲- نوم = نام

ز نامردی اهل کوفه و شام ز کردار عیب‌الله بدنام
 به یک شو، روضه قاسم ره ورخوند دلیری بنی‌هاشم ره^۱ ورخوند^۲
 چو قاسم کشت ازرق^۳ ره به شمشیر ز جمعیت بلن^۴ شد بانک تکبیر
 به یک شو روضه عباس و اکبر شبون^۵ بعد هم از عون و جعفر
 شوده یاد شاه کربلا کرد نگویم که به عاشورا چها کرد
 غروب روز ده، شوم غریبان یتیمون همگی سر در بیابون
 اسیرو ره سوار ناقه‌ها کرد شهید ره توی میدون رها کرد
 که سیل اشک از جسم روون شد دلم از این مصیبت غرق خون شد

اشعار مراسم ترحیم

در این نواحی رسم است که وقتی کسی فوت می‌کند، گروهی از مردم که برای تسلیت گفتن می‌آیند، وقتی به نزدیک خانه متوفی می‌رسند، یک نفر از بین آنها این اشعار را با صدای بلند می‌خواند.

بیا یک لحظه‌ای جانان من تو فکر فردا کن

اجل خواهی نخواهی می‌رسد خود را مهیا کن

ببین رفتند یاران و عزیزان از برت یک یک

بر آر از خواب غفلت سر، دمی هم یاد عقبی کن

عشق دنیا جان من آخر تو را رسوا کند

خسته و وامانده و آشفته و شیدا کند

۱- ره = را

۲- ورخوند = برخواند

۳- ازرق، یکی از جلادان سپاه دشمن که به دست حضرت قاسم - از پای درآمد

۴- بلن = بلند

۵- شبون = شیها

پادشاهان جهان رفتند هر یک زیر خاک
 خاک اندر چشمشان اندر لحد مأوی کند
 ای بسا زیبا جوانان رفته‌اند زیر زمین
 که به ماه آسمان صد طعنه از سیما کنند
 لذت دنیا نمی‌ارزد به ذلت‌های گور
 عاقل آنست ترک لذت از همه دنیا کند
 هر که را عقل است عقبی را به دنیا کی دهد
 هر کسی فردوس خواهد او چنین سودا کند^۱

اشعار و قطعات

بعضی از ادبیات و سروده‌ها به قدری نافذ و دلنوازند که مورد توجه اغلب مردم قرار می‌گیرند.

برخی چنین اشعار را با خط خوش در محل کار یا جای دیگر که قابل دید باشد می‌نویسند و از آن اشعار الهام می‌گیرند. گاهی اسم مبارک علی (ع) را با خط درشت و زیبا می‌نویسند و در زیر آن این بیت را منقوش می‌کنند.

بالای سرم نام تو را نقش نمودم یعنی که سر من به فدای قدم تو

و از جمله:

تا توانی رفع غم از خاطر غمناک کن
 در جهان گریاندن آسان است اشکی پاک کن



کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش
وہ کہ بس بی خبر از غلغل چندین جرسی

* * *

از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو

ضرب المثلها^۱

- ۱- آقا دنگ دنگ، غلوم خیک خیک.
- ۲- آقا ذره ذره جمع می کند و نوکر بی حساب خرج (حیف و میل) می کند.
- ۳- اشتر به قطار مردم رنگینه.
- ۴- این ضرب المثل را برخی از ساکنان دیگر شهرها چنین گفته اند: «مرغ همسایه غازه» و منظور آن است که اغلب آدمیان بدانچه خود دارند چندان توجه نمی کنند و همیشه داشته ناچیز دیگران را بهتر از داشته های خود می پندارند.
- ۵- بُز رُو وامرن نه بُز دروا.
- ۶- برای روی باز و چهره گشاده انسان به دیدار دیگران می رود نه برای خوردن چیزی در خانه آنان.
- ۷- خهی که کنی مزه، خور به دیونگی ورزه.
- ۸- اگر می خواهی که معنی و لذت زندگی را بچشی، غم دنیا را به دل راه مده.

- ۹- دست خلی، سخن نمره حلی.
- ۱۰- سخن بی پشتوانه اثر ندارد. (بی مایه فطیر است)
- ۱۱- دوغ و دوشاب در نظرش یکی است.

۱- عقاید و رسوم مردم خراسان، ص ۵۵۳.

- درباره کسی گفته می شود که میان خوب و بد فرق نمی گذارد.
- ۷- به مرغش کیش نمیشه گفت.
- در مورد اشخاص خودخواه و مغرور استعمال می شود.
- ۸- به اشتهای مردم نمی شود نان خورد.
- انسان باید از خودش اراده و تصمیم داشته باشد و دهن بین نباشد.
- ۹- اگر نخوردیم نون گندم، دیدیم دست مردم.
- گرچه ما در کاری خبره نیستیم ولی خوبی و بدی آن را تشخیص می دهیم.
- ۱۰- از مردی تا نامردی یک قدم است.
- فرد باید خیلی مواظب باشد که خطا نکند که با یک خطا ارزش از بین می رود و آبرویش می ریزد.

دختران، شکوفه های زندگی

از جمله سنتهای غلطی که اسلام عزیز به شدت با آن برخورد کرد، استخفاف زنان بود؛ بطوریکه در زمان جاهلیت داشتن دختر ننگی برای خانواده بود و دختر را پس از تولد زنده به گور می کردند. پیامبر اکرم (ص) مردم را از این عمل غیرانسانی نهی کرد. دخترش فاطمه (س) را محبوب ترین فرد نزد خود خواند.

در بیرجند برای تأیید این مطلب اگر نوزاد دختر باشد این شعر را می خوانند:

دختر دارم یگونه	باشد چراغ خونه
قرآن خود می خونه	غلطها را می دونه

دختر به زر می‌ارزه به صد پسر می‌ارزه^۱

* * *

لالا لالا گل گندم برات گهوازه می‌بندم
اگر حکم خدا باشد که گهواره طلا باشد

باورها در پیش‌بینی وضع هوا

در بیرجند و حوالی آن، همانند اغلب نقاط کشور، اعتقادات و نظراتی نسبت به پیش‌بینی وضعیت جوی هوا دارند. ماجرای ابوریحان و شگفتی پیش‌بینی بارندگی از سوی چوپان (که نخواهید سگ را در بیرون لانه‌اش، شاهد آمدن باران دانسته بود) در برخی کتابها نقل شده است. این موضوع حاکی از آن است که با صرف نظر از عقاید خرافی مردمان هر دیار، شماری از اعتقادات و باورهای آنان دارای اصل و اساسی است که آنها خود از منشأ علمی یا طبیعی آن اطلاعی ندارند. این در حالی است که در زمان ما هم چه بسا پیش‌بینیهای وضع هوا از طریق سازمانها، درست از کار در نمی‌آید. به اعتقاد جمعی از مردم این سامان، هرگاه دور ماه هاله ببندد و هاله نزدیک به ماه و تیره رنگ باشد، بازان خواهد بارید^۲؛ یا اگر آسمان در سمت قبله گرفته و پرابر باشد یا هنگام غروب، دو طرف خورشید لکه دیده شود، نشانه بارندگی است.

یا مثلاً: اگر مورچه‌های پردار به حال اجتماع از لانه‌شان بیرون بیایند یا قورباغه‌ها دسته جمعی قورقور کنند و یا گوسفندان گله با شتاب و حرص زیاد علف بخورند، علامت بارندگی است.

۱ - عقاید و رسوم مردم خراسان، ص ۱۴۶.

۲ - عقاید و رسوم مردم خراسان، ص ۳۴۳.

در طلب باران

در جنوب خراسان مانند بیرجند و روستاهای اطراف آن، برای طلب باران و دفع خشکسالی پیکره چوبی به شکل مترسک (T) می‌سازند و لباس فرسوده‌ای بر آن می‌پوشانند. سپس پیکره را همه‌جا در کوچه و بازار می‌گردانند و با هم می‌خوانند:^۱

ای خدا بارو کُ ^۲	بارون آب شارو کُ
تلوی ما تشنه شده	ور کوه و ور پشته شده
آب غدیرش مایه	چمچه شیرش مایه
گندم دَ زیر خاکه	از تشنگی هلاکه
چو پون پنیر مایه	نون پطیر مایه
یارب بنده تو بارون	به حق شاه مردون

معمها

از جمله مسائل فرهنگی هر منطقه، لغز و معمهای رایج بر زبان‌هاست. این معمها در ساعات بیکاری برای تفریح و ایجاد سرور و به کار انداختن افکار و سنجش هوش افراد طرح شده و بخاطر پیرایش و جذابیت آن است، که در فرهنگ، مانده است. امروز نیز عرصه فرهنگی ما چنین چیزی را می‌طلبد و خوب است که پژوهشگران فرهنگ عامه در این زمینه همت کنند.

و اینک چند معمای معروف این منطقه:^۳

۱ - آن چیست که یک لا کنی نمی‌رسد، دو لا کنی می‌رسد؟

۱ - همان.

۲ - کُ = کن

۳ - عقاید و رسوم مردم خراسان، ص ۲۹۱.

ج - دست انسان نسبت به دهان

۲ - تافته گلی، سوزن ندیده؛ آرد بیخته، الک ندیده؛ چوب تراشیده، نجار ندیده؟

ج - سنجد

۳ - کاسه چینی، آتش دو رنگه؟

ج - تخم مرغ

۴ - عجایب صنعتی دیدم در این دشت.

که بی جان در پی جاندار می گشت؟

ج - گاری اسبی

۵ - آن چیست که تا سرش را قطع نکنی حرف نمی زند؟

ج - نامه

افسانه

یکی از راههای آموزش مفاهیم و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی، افسانه است که با عنوان کردن یک داستان خیالی با شخصیت‌های غیر واقعی و ذهنی، احساس و نیروی تخیل شنونده را تحریک می کند، مانند نمایشهای کارتونی، ذهن انسان با شنیدن صحنه ها و نقشهای نامأنوس به تکاپو و تفحص، جهت ربط دادن آن صحنه ها به هم می افتد و این لحظات، بهترین فرصت برای دادن رهنمود و ارائه طریق است.

افسانه در خراسان قدمت تاریخی دارد و در شبهای چله و دیگر شبهای طولانی زمستان، بر سر کرسی بهترین وقت گفتن افسانه بوده است. بجاست، کسانی که توان خلق داستان و افسانه دارند، در این زمینه ها کمر همت بسته و ضمن پیرایش افسانه ها از جنبه های منفی، افسانه های جذاب و پیامدار به نسل جوان ما عرضه کنند چرا که منابع غنی فرهنگ اسلامی ما آن قدر مفاهیم و

ارزشهای اسلامی و انسانی دارند که می‌توان گفت در این زمینه‌ها قابل احصاء نیست. و اینک افسانه‌ای از افسانه‌هایی که در جنوب خراسان، سینه به سینه گشته است:

«تقدم دیگران برخود» یکی بود. یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. در زمانهای قدیم یک جوانی بود که با پدر و مادرش در یک روستایی زندگی می‌کرد. کارشان کشاورزی بود و خیلی با سختی به سر می‌بردند. شب و روز زحمت می‌کشیدند اما همیشه هشتشان گرو نه‌شان بود. تا اینکه یک روز، فکری به کلهٔ پسر جوان زد که برود پیش جادوگرو از او بخواهد که بختش را سفید کند. از پدر و مادرش خداحافظی کرد و راه افتاد. هفت شبانه روز رفت و رفت تا اینکه به خانه‌ای سیاه رسید که جلوی آن یک پیر زن زندگی می‌کرد، خیال کرد این همان جادوگر است، به پیر زن گفت: من بختم سیاه است، آمدم بختم را سفید کنی. پیر زن گفت: من جادوگر نیستم. باید هفت شبانه روز دیگر بروی و از دریای بزرگ هم بگذری تا به خانهٔ او برسی. جوان راه افتاد که برود. پیر زن گفت حالا که می‌خواهی بروی از قول من به او بگو که یک دختر دارم که زبانش بسته شده. چه کار کنم تا زبانش باز شود. جوان گفت: خواهم گفت. براه افتاد و رفت تا به یک غار رسید. در آنجا یک پیر مرد با موهای سفید و بلند، داشت نماز می‌خواند، ایستاد تا نمازش تمام شد. پیر مرد از او پرسید کجا می‌روی؟ گفت: می‌روم پیش جادوگر که بختم را سفید کند. پیر مرد گفت: من هم یک سفارش دارم به او خواهی گفت؟ جوان خواهم گفت. پیر مرد گفت: به او بگو که برای چه آن قاصدی که پیشتر فرستادم، جوابش را ندادی؟ جوان به‌راه افتاد و رفت و رفت تا به لب یک دریای بزرگ رسید، فکر کرد که چطور از دریا بگذرم، یک وقت دید یک اژدهای بزرگی از میان آب سر بلند کرد، او را گرفت و با خود به میان دریا برد. در میان دریا به او گفت: کجا می‌روی؟

جوان گفت آن طرف دریا پیش جادوگر. اژدها گفت: یک سفارش دارم به جادوگر؛ به او بگو که من چند سال است که در میان دریا هستم و حالا دلم می‌خواهد پروبال در بیاورم و به آسمان بروم. اژدها او را به آن طرف دریا برد و جوان به راه افتاد. رفت و رفت تا به سر کوه بلندی رسید که جادوگر آنجا بود. پیش رفت و سلام کرد. جادوگر گفت: چه حاجت داری؟ جوان گفت: من چهار حاجت دارم که یکی مال خودم است و سه تا مال دیگران. جادوگر گفت: من فقط سه حاجت را می‌توانم به تو بدهم. جوان درماند که چه کار کند؟ بالاخره حاجت خودش را رها کرد و جواب سه حاجت دیگر را که مال پیر زن و پیر مرد و اژدها بود از جادوگر گرفت و برگشت. رفت تا به کنار دریا رسید، دید اژدها آنجا نشسته. اژدها گفت: جواب مرا آوردی؟ جوان گفت: جادوگر دو تا پر به من داد تا به بغل تو بزنم، همان‌جا پر در می‌آوری. اژدها خوشحال شد، رفت و یک مروارید از ته دریا آورد و به جوان داد. جوان را سوار کرد و پرواز کنان به آن طرف دریا رساند. جوان رفت و رفت تا به پیر مرد رسید به پیر مرد گفت: جادوگر گفته زیر پایت، همان‌جا که همیشه نماز می‌خوانی، هفت خُم طلاست، آن‌کدر بیاورد، مال خودش باشد. پیر مرد به جوان گفت: من پیرم، نمی‌توانم خُمهای طلا را در بیاورم؛ با من کمک کن، نصیبش مال تو. جوان خُمها را در آورد و نصیبش را برداشت. رفت و رفت تا به پیر زن رسید. به پیر زن گفت: جادوگر گفته اگر مغز سر ماهی به دخترت بدهی، دخترت خوب می‌شود. پیر زن همین کار را کرد و دخترش به زبان آمد، در عوض دخترش را به همسری جوان داد. جوان همراه زن خود و مروارید و خُمهای طلا به دهشان برگشت و با پدر و مادرش زندگی را به خوشی گذراند.

دارو و درمانهای سنتی

مردمان این نواحی اغلب چنین عقیده‌مندند که استفاده از داروهای شیمیایی، اگر چه تا حدودی بعضی بیماریها را برطرف می‌کند ولی از سویی موجب عوارض جنبی و نامطلوب می‌شود و از این رو استفاده از گیاهان دارویی و انجام بعضی شیوه‌های طبیعی را برای معالجهٔ بیماران ترجیح می‌دهند. در کشور چین بیشتر مردم، خود و دیگران را با داروهای سنتی درمان می‌کنند و از حُسن اتفاق به پیری زودرس، ریزش و سفید شدن مو و ناراحتیهای گوارشی کمتر دچارند. عجیب‌تر آن‌که جوانان چین بر خلاف سایر جاها، چندان اشتیاقی به پزشک شدن از خود نشان نمی‌دهند.^۱

از این میان، اهالی بعضی از مناطق برای بند آمدن خون بینی، به بیمار سفارش می‌کنند که اگر از لوله راست بینی او خون می‌آید دست چپ را بالا نگه‌دارد و اگر از لوله چپ، دست راست را؛ یا آن‌که پوست تخم‌مرغ را بسوزاند و بکوبند و گرد آن را در بینی گذارد.^۲

برای معالجهٔ درد سینه و سرفه‌های خشک، به را زیر خاکستر می‌کنند و روی خاکسترها آتش می‌ریزند. وقتی به پخت و کمی نرم شد، آن را از زیر خاکستر بیرون می‌آورند و می‌خورند پس از آن، برای رفع گرمی به، قدری کدو و تمر هندی میل می‌کنند.^۳

برای معالجهٔ زخم معده، خوردن پاچهٔ گوسفند و بز را بسیار مؤثر می‌دانند.^۴ برای بهبود تَرک لبها سه روز متوالی قبل از صرف صبحانه، گودی ناف را با

۱ - گزارش روزنامه سلام، شمارهٔ ۹۳۴، ۷۳/۵/۳۱.

۲ - عقاید و رسوم مردم خراسان، ص ۲۴۵.

۳ - همان، ص ۲۵۰.

۴ - همان، ص ۲۵۴.

پیه یا روغن چرب می‌کنند.^۱

در رفع خارش بدن، مقداری ماست گاو و جوش شیرین و سدر با هم مخلوط می‌کنند و در حمام به تن خود می‌مالند.^۲

ایام نوروز در بیرجند

در بیرجند روزهای اول سال جدید رسم بر این است که از شهر خارج می‌شوند و به محلی به نام کشمان می‌روند. کشمان جایی است که در آن جو و یونجه و شبدر و امثال آن کاشته می‌شود.

گردشگاههای شهر بیرجند در روزهای تعطیل سال جدید و غیر آن عبارت‌اند از: مزار درّه شیخان، رحیم آباد، اکبریه، پور باقران، بند دره، فرست، شوکت آباد، تشکو و بند عمر شاه.^۳

در ایام نوروز در بیرجند و روستاهای حوالی آن علاوه بر شیرینی و آجیل، دو نوع نان روغنی هم می‌پزند؛ یکی به نام رو ورگرده که طریقه تهیه آن چنین است: آرد را خمیر کرده، با نورد چوبی روی تخته پهن می‌کنند، به‌طوری‌که ضخامت آن از دو سه میلی‌متر بیشتر نباشد. بعد از این با سر قلفچه با چیز گرد دیگر آن را به قطعات کوچک می‌برند و در تنور می‌گذارند. وقتی پخت نانها را دو به‌دو از پشت به هم می‌چسبانند و در لای آنها شیره انگور با مغز گردوی کوبیده می‌گذارند.

دومی، خشکی نام دارد که یک نوع نان روغنی بزرگ است که از آرد و روغن و زعفران فراهم می‌شود و رویش هم سیاه‌دانه می‌پاشند.^۴

۱ - عقاید و رسوم مردم خراسان، ص ۲۴۱.

۲ - همان، ص ۲۴۴.

۳ - عقاید و رسوم مردم خراسان، ص ۱۰۹.

۴ - همان، ص ۱۰۵.

در بیرجند برخی از مردم دو روز مانده به عید سمنو می‌پزند و در هنگام تحویل سال نو یا در مسجد به سر می‌برند و یا در خانه می‌مانند. چون معتقدند که اگر در تحویل سال نو در خانه باشند خود و خانواده و اقوامشان کمتر بدور از خانه خواهند بود. روز اول سال نو اغلب به دید و باز دید هم می‌روند. در بیشتر خانه‌ها شیرینی خانگی از نوع رو و رگرده و زنجفیلی و نان خشکی و نان تفتان برای پذیرایی آماده می‌شود. در روستاها صاحبخانه برای مهمان و باز دید کننده یک پیاله شیرۀ انگور یا بشقاب قلیۀ کدو در یک سینی گرد می‌آورند.

دیدار از خانواده‌های ایثارگران و شهیدان و عیادت بیماران و افراد مسن هم از دیگر رسمهایی است که مردم خوب بیرجند از آن غفلت نمی‌کنند.

سنتی حسنه در عروسی

در بعضی از مناطق بیرجند مانند عربخانه سنت پسندیده و خوبی در عروسیها وجود دارد. بدین صورت که یک تا دو روز جشن می‌گیرند و بی‌آنکه از آلات لهو و لعب استفاده کنند به شادمانی می‌پردازند. جالب توجه آن‌که افراد به هنگام اذان، ادامه جشن را تعطیل کرده، به نماز می‌ایستند. این روزها بهترین اوقات برای تجدید دیدار و صلۀ رحم است. سنت خوبی که در این جشنها رایج است اینکه در روز آخر عروسی، داماد را در میدان روستا بر صندلی می‌نشانند و دور آن حلقه‌وار قرار می‌گیرند و هرکس به مقدار تمکن خود، پولی به عنوان هدیه به وی می‌دهد و در واقع نوعی نمایش همکاری و همدلی دیدنی به وجود می‌آید. یک نفر اسم هدیه‌دهنده و مبلغ هدیه را می‌نویسد و دیگری پول را در کیسه‌ای جمع می‌کند و بدین ترتیب مبلغ قابل توجهی جمع می‌شود که می‌تواند گرهی از زندگی این خانواده تازه پا گرفته، باز کند. چه مناسب بود اگر در دیگر شهرها نیز چنین برنامه‌ای اجرا شود.

دو بیتی ها ...

از اینجا تا به بیرجند و سرپل
عرقهایی که از مولا چکیده
قدمهای علی با سم دلدل^۱
فتاده بر زمین و سر زده گل

* * *

خداوندا دلم غم دارد امروز
غمی بر روی دل افکنده سایه
نمی‌دونم که چی کم دارد امروز
که قلبم چهره در هم دارد امروز

* * *

در این دنیا کسی بی‌غم نباشد
بنای زندگی تلخ است و شیرین
اگر باشد دلش محکم نباشد
دل بی‌غم در او مرهم نباشد

* * *

دلت را گاه با غم آشنا کن
شنا را گر نمی‌دانی بگویم
برو دریای غم آنکه شنا کن
به‌پر در آب و تکیه بر خدا کن

* * *

الا ای دل چرا آشفته حالی
مثال پاره ابری در بهاران
چرا در اضطراب و قیل و قال
گاهی فکر جنوب و گه شمالی

* * *

ز تنهایی دل من ناله دارد
بود درد دل من بی‌مداوا
غم دل تا ابد دنباله دارد
چنان زخمی که بر دل لاله دارد

* * *

خداوندا دلم در پیچ و تاب است
نه غم دارم نه کم دارم خدایا
نمی‌دونم چرا حالم خراب است
گمانم بی‌غمی‌ام بی‌حساب است

* * *



به چشم ظاهری غم دشمن من به چشم باطنی غم گلشن من
دل بی غم بود بی رنگ و بی جان گلستانم بود در گلخن من

* * *

دلی که سرسری در راه باشد قدمهایش به ره کوتاه باشد
تمام مقصد ما مکتب ما به غیر از آن همه بی راه باشد

* * *

دلم از من شکایت دارد امروز به خوب و بد عنایت دارد امروز
خدا یا این تو و این قلب خسته که امید هدایت دارد امروز

* * *

فصل هفتم

بیرجند

و

انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی، انفجار نور

مطالعه ابعاد انقلاب اسلامی ایران با توجه به زمان اندکی که از وقوعش گذشته، نمی‌تواند در بردارنده تمامی ظرایف و ویژگیهای آن باشد.

به هر تقدیر، اولین جرقه‌های انقلاب اسلامی در فضایی زده شد که نظامهای خودکامه شرق و غرب، جهان را در هاله‌ای از جهالت و استثمار فروکشانده، هرروز در پی محتوا کردن ارزشهای الهی و توحیدی تلاش می‌کردند و بر وسعت سلطه خود می‌افزودند و کوچکترین حرکت اصلاحی را در نطفه خفه می‌کردند. ناگهان در چنین فضایی رخوت آور، فریادگر نستوهی، پا به میدان مبارزه علیه کفر و شرک گذاشت و با استواری، طرحی نو در انداخت و صلاهی حاکمیت مستضعفان بر عالم را سر داد. نگاهی منصفانه به اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی، بسادگی می‌فهماند که مشخصه اصلی آن نه سیاسی، نه اقتصادی، نه نظامی و نه... بوده بلکه مکتبی بودن آن است.

راهپیمایی در روز اربعین سال ۱۳۵۷ شمسی در بیرجند^۱ که از حسینیّه پای قلعه شروع شد، افرادی که رهبری و هدایت آن را به عهده داشتند، جز به ایمان و تعهد و حفظ آرمانهای انقلاب اسلامی و راه امام به چیزی

۱ - نگارنده خود شاهد آن خروش و حماسه ایمان مردم مسلمان بیرجند بود و هرگز خاطره آن روز به یاد ماندنی را از یاد نخواهد برد.

نمی‌اندیشیدند. با همه وجود در تکاؤ و تلاش بودند و جز رضایت حق، چیزی مدنظرشان نبود. پارچه‌ای روی بازو، بسته و به خدمتگزاری مشغول بودند. راستی آنان که بودند؟! همان معلم متعهدی که در کلاس، درس دین و اخلاق می‌داد... همان انسان مؤمنی که به ایمان و تعهد مشهور بود و....

اینک بر ماست که با شناختن خطرهایی که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند به حفظ و حراست از آن پردازیم. چرا که مهمترین پیام شهیدان حفظ انقلاب اسلامی و نگهداری این امانت الهی است.

سیر انقلاب اسلامی در بیرجند

صفحات تاریخ انقلاب اسلامی در بیرجند را در حالی ورق می‌زنیم که علمای این خطه در طول مبارزات ملت بزرگ ایران در صحنه بوده‌اند. از جنبش تنباکو و حمایت‌های حاج شیخ هادی هادوی تا قضیه کشف حجاب^۱ و بعد از آن تاکنون تأثیر انقلاب مشروطیت در بیرجند حایز اهمیت است. افکار مرفقی مشروطه خواهان، محیط فرهنگی آن رابه جولان در آورد و این باعث شد که اولین مدرسه به سبک جدید در بیرجند تأسیس شود و پذیرای جوانان جویای دانش و پیشش گردد و به جو فرهنگی شهر غنا ببخشد و این طبیعی‌ترین اثر انقلاب مشروطیت بر شهر بیرجند بود چرا که حاج محمد هادی هادوی مجتهد از بزرگان این دیار جزء برگزیدگان مراجع نجف جهت نظارت بر متمم قانون اساسی انقلاب مشروطیت بود.

از آن زمان که طایفه علم در این نواحی دارای نفوذ بودند و به چپاولگری مشغول، مردم بیرجند همواره آنان را نوکر انگلیسی‌ها می‌دانستند اوج نفرت مردم این سرزمین از خانواده اشرفی علم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود. چرا که

۱ - با افشاگرهای حاج شیخ جواد عارفی.

فاجعه خونبار حمله به مدرسه فیضیه و تبعید حضرت امام خمینی(ره)، به دست یکی از اعضای رو سیاه این خانواده به وقوع پیوست.

مردم مسلمان و غیور بیرجند از همان ابتدای بروز و جلوه‌هایی از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، با جان و دل رهبری آن مرد الهی را پذیرفتند.

در محرم سال ۱۳۴۲ ه. ش. آیت‌ا... خامنه‌ای برای تبلیغ به شهر بیرجند رفته بودند. از روز سوم محرم به منبر می‌روند. روز هفتم محرم که جمعیت کثیری در مجلس شرکت کرده بودند، قضایای مدرسه فیضیه را با شور و حال بیان کردند و مردم عجیب گریه می‌کنند.

آیت‌ا... خامنه‌ای بعدها در این باره گفتند: «آن روز نیم ساعت بیشتر وقت صحبت نبود. مطلب را که شروع کردم از شدت هیجان می‌لرزیدم هر چند به هیچوجه نمی‌ترسیدم و حال مردم نیز اثر می‌گذاشت. مردم عجیب اشک می‌ریختند...».

این منبر در شهر خیلی صدا می‌کند و فردا صبح در مجلس دیگری که در منزل شخصی بود جمعیت عظیمی می‌آیند و آنجا نیز مسایل روز مطرح می‌شود. آیت‌ا... خامنه‌ای می‌گویند: «روحانی مشهوری در بیرجند بود بنام آقای تهامی که آن روز به من گفت: با اینکه من در این شهر از همه مطلع ترم اما این گونه مسایل را نمی‌دانستم و اگر غیر از شما کسی دیگر می‌گفت باور نمی‌کردم و در هیچ جریانی این همه گریه نکرده‌ام». صبح روز تاسوعا ایشان منبر می‌روند، ساواک سخت به وحشت می‌افتد و او را دستگیر و دو روز در بیرجند نگه می‌دارند سپس به مشهد برده و تحویل ساواک مشهد می‌دهند.^۱

علما و بزرگان بیرجند با روشنگریهایی که در مناسبتهای مختلف می‌کردند

و، پرده از روی جنایات رژیم فاسد پهلوی و عمال دست نشانده‌اش بر می‌داشتند. هرچند وقت به‌عنوان یاد بود از شهدای قم، تبریز و... مجلسی بر پا نموده و با سخنرانی پر شور کوره انقلاب را گرم نگه می‌داشتند.

رژیم که شیرازه کار خویش را از هم گسیخته می‌دید و مذبوحانه به هر اقدامی دست می‌زد. در یک حرکت وحشیانه، مزدوران شاه در روز عید سعید عذیرخم سال ۱۳۵۷ ش به حوزه علمیه بیرجند حمله کردند و ضمن شکستن در و پنجره‌ها به ضرب و جرح و قتل جمعی از طلاب پرداختند؛ که در پی این واقعه آیت الله العظمی گلپایگانی تلگرام تسلیتی در تاریخ ۱۳۵۷/۹/۹ خطاب به علمای بیرجند فرستاد.^۱

آن روزها همه‌جا بحث از انقلاب و امام خمینی (قدس سره) بود. شبها افرادی به نوشتن پیامهای انقلاب بر دیوارها مشغول می‌شدند. در کلاسهای درس نیز آنچه بچه‌ها را بیشتر از درس به‌خود جلب می‌کرد، سخن از انقلاب اسلامی و امام خمینی بود.

با رفتن شاه، شور و شوق انقلاب به اوج رسید و همه منتظر آمدن امام بودند. نشاطی که در آن ایام بر پا بود، دلها را به هم نزدیک و صفا و صمیمیت در آنها ایجاد می‌کرد. هرچه بود، نور و صفا و وحدت و خلوص بود و همه‌جا التهابی خدایی و شور بیداری دیده می‌شد.

اولین شهید بیرجند^۲

اوایل زمستان سال ۱۳۵۷ بود. آن روز، مراسم صبحگاه مدرسه انجام شد و همه

۱- اسناد انقلاب اسلامی، ص ۴۷۱.

۲- لازم به ذکر است که شهید راستگومقدم در طلیعه انقلاب اسلامی مورد ضربات و شکنجه دژخیمان واقع شد و بر اثر آن به دیدار حق شتافت. یادش گرامی باد.

در صفهای منظم به طرف کلاسها رفتیم آن ساعت درس علوم داشتیم، اما هرچه منتظر شدیم خبری از معلم نشد. انتظار به طول انجامید و دلها به تپش افتاد. ساعت درس علوم. بهترین ساعت درسی ما بود چون معلم علوم بعد از درس گل و گیاه و مولکول، درس دین و مبارزه می داد. بچه ها پنجره های کلاس را برای احتیاط می بستند و معلم آگاه و خوب ما از امام خمینی (ره) برای ما حرف می زد. ما تشنه شنیدن کلام آن معلم عزیز بودیم.

آن روز کم کم جو کلاس متشنج شد. یکی دیگر از کلاسها هم وضعیتی مشابه ما داشت. معلم درس انگلیسی آن کلاس، شهید شریفی پناه هم هنوز به مدرسه نیامده بود و این دو معلم که شمع فروزان مدرسه راهنمایی فرزنان بودند، در جمع پر شور بچه ها دیده نمی شدند. در پی تشنج مدرسه از کلاسها بیرون رفتیم و در حیاط مدرسه تجمع کردیم. دیگر برای همه روشن شده بود که ساواک، آقای عرفانی^۱ معلم علوم، و شهید شریفی پناه معلم انگلیسی را دستگیر کرده است. در مدرسه را بسته بودند، اما بالا رفتن از نرده های دو متری دیوار مدرسه هیچ زحمتی نداشت. در یک چشم بر هم زدن، بچه ها از بالای نرده ها به بیرون رفتند. تجمعی ایجاد شد و با شعارهای انقلابی به طرف مدارس همجوار حرکت کردیم. بچه های دبیرستان نزدیک مدرسه ما هم به جمع ما پیوستند. بچه های مدارس دیگر هم با ما همراه شدند. در این میان، مردم هم به سیل جمعیت دانش آموزی ملحق شدند. بچه ها شعار می دادند: مردم به ما ملحق شوید - شهید راه حق شوید.

اجتماعی با شکوه از بچه ها و بزرگترها تشکیل شد. بزرگترها رهبری و هدایت این راهپیمایی و تظاهرات را به دست گرفتند و شعارها و مسیر حرکت را تعیین می کردند. رفته رفته نیروهای پلیس نمایان شدند و سراسیمه و

منفعلانه همراه جمعیت حرکت می‌کردند. بالاخره از ترس گسترش این موج عظیم، هرچه در توان داشتند به کار گرفتند تا مانع عبور ما شوند. سیل جمعیت همچنان پر خروش و با صلابت می‌آمد. گاز اشک‌آور کارساز نبود. تیراندازی هوایی... تیر مستقیم... فریاد خروش و استقامت در جمعیت موج می‌زد و این وقتی بود که لاله‌ای از گلستان دانش‌آموزان پرپر شد و بدین ترتیب اولین شهید بیرجند به دیدار حق شناخت. آری دانش‌آموز شهید «سندروس» جلودار و قافله سالار شهیدان بیرجند شد. یادش گرامی‌باد.

نقش بازاریان

بازاریان بیرجند، افراد مؤمن و صدیقی هستند که در پیش‌برد انقلاب اسلامی همانند دیگران در صف مقدم مبارزات بودند. در دوران انقلاب، با تعطیل کردن به‌موقع بازار و حمایت‌های آشکار و پنهان از مبارزات ملت بزرگ ایران، سهم به‌سزایی در این حرکت عظیم مردمی داشتند.

شهید حسین هادی، یکی از این عزیزان بود که با همه وجود در این زمینه سرمایه‌گذاری کرد. وی که خیاط بود و یک مغازه خیاطی کوچک داشت، سرا پا شور و شادت بود. به حقیقت این انسان مؤمن و مخلص در پاسداری از انقلاب و راه امام کم نظیر بود. مردم این منطقه نام شهید هادی را پیوسته همراه رشادت، فداکاری و از جان گذشتگی تداعی می‌کنند. این در حالی بود که دشمنان و معاندان، بارها او را مورد حمله قرار داده بودند. ولی به همان اندازه که منافقین و گروه‌های ضد انقلاب از وی نفرت داشتند، حزب الله بیرجند نسبت به این شهید عزیز، عشق و ارادت می‌ورزیدند. شهید هادی در جبهه‌های نور علیه ظلمت به درجه رفیع شهادت رسید. شایان ذکر است که دو فرزند این شهید عزیز در یک سانحه رانندگی، به دیدار حق شتافتند. روحشان شاد.

درد دل بسیجیان بیرجند

موجهای خسته سر در گمی پس چه شد حال و هوای مردمی
 حرص مردم را اسیر خویش کرد خلق را یکباره نادریش کرد
 یاد آن روزی که در خمپاره‌ها جمع می‌کردیم پاره پاره‌ها
 آسمان تکبیر ما را دوست داشت هر حسینی کربلا را دوست داشت
 نفرت از هر خودستایی داشتیم خلق و خوی روستایی داشتیم
 بود سنگر بهترین مأوای من آه جبهه کو برادرهای من
 ذوق و شوق نینوا کرده دلم چون هوای جبهه‌ها کرده دلم
 سرزمین نینوا یادش بخیر کربلای جبهه‌ها یادش بخیر
 کوچه ما بوی مجنون می‌دهد بوی اشک و آتش و خون می‌دهد
 مرگ آغاز جهانی دیگر است عاشقان را مرگ، جانی دیگر است
 آنکه در خون عشق بازی می‌کند تا قیامت سرفرازی می‌کند.^۱

فصل هشتم

مراکز فرهنگی

پیرچند

حوزه‌های علمیه پیشگامان شهادت و تلاش

شهیدان، پیشتازان مبارزه با جور و نابرابری هستند. روحانیان پاکبخته‌ای که جان بر کف، فقط به حفظ و حراست از دین و شریعت فکر می‌کنند، جایگاهی ویژه در این میان دارند. آنانکه برای پاسداری از ارزشهای الهی قدم در حوزه گذاشته‌اند. آری آنها راهیان نور و پیام آوران عدالت و حق باوری‌اند که با خون سرخ خود درخت انقلاب نو پای اسلامی را آبیاری کردند و برای حفاظت و نگهداری به نسل بعد سپردند. آنان همه هستی خود را بی‌دریغ فدا کردند تا حق و حقیقت بماند.

طلاب شهید بیرجند از چنین انسانهایی بودند که در راه دفاع از دین و قرآن، سر از پا نمی‌شناختند. از هر صد شهید از گلستان شهدای بیرجند یک نفر روحانی است و شمار شهدای روحانی این قافلهٔ کربلایی ۲۵ نفر می‌باشد.

زخون هر شهیدی لاله روید مبادا روی لاله پا گذاریم
عزیزان روحانی در دوران جنگ حضور فعالی در جبهه‌ها داشتند و شور و نشاطی به جمع با صفای رزمندگان می‌بخشیدند.

حوزهٔ علمیهٔ بیرجند، دارای چند مدرسه است و قدیمی‌ترین آن، مدرسهٔ معصومیه است که در سال ۷۵۰ قمری تأسیس شده است.

رقم طلاب حوزه‌های بیرجند حدود ۷۰ نفر می‌باشد. در حوزه‌های علمیه

بیرجند مقدمات و شرح کتاب فقهی لمعه تدریس می‌شود و بعد از آن طلاب برای تکمیل پایه‌های درسی خود به مشهد یا قم مهاجرت می‌کنند. مجموع روحانیان بیرجند حدود ۲۳۰ نفر می‌باشد که ۶۰ نفر در روستاها فعالیت تبلیغی دارند و ۷۰ نفر در حوزه تحصیل می‌کنند و بقیه در مساجد و ادارات و مراکز آموزش بیرجند مشغول فعالیت هستند.^۱ هم اینک حدود یکصد نفر از طلاب بیرجندی در مشهد و هفتاد نفر در قم مشغول تحصیل‌اند؛ که در ایام ماه مبارک رمضان و ماه محرم و صفر برای انجام فعالیت‌های تبلیغی به این شهر می‌آیند بدین ترتیب رقم طلاب و روحانیون شهرستان بیرجند در مجموع حدود ۴۷۰ نفر می‌باشد که با توجه به جمعیت شهرستان بیرجند از جمله شهرهایی است که نسبت به شهرهای مشابه دیگر از طلبه‌های بیشتری برخوردار است. از جمله شخصیت‌های ممتاز حوزه علمیه بیرجند آیت الله حاج شیخ جواد عارفی است، وی حدود پنج سال در محضر حاج شیخ عبدالکریم حایری، مؤسس حوزه علمیه قم تحصیل کرده است و در ماجرای کشف حجاب رضا خان به مبارزه پرداخت و در شهرهای اراک و یزد و اصفهان و مشهد، اعمال ضددینی و ضد قرآنی رضاخان را افشا کرد خود بارها مورد تعقیب قرار گرفت؛ تا اینکه سرانجام به بیرجند و به زادگاهش روستای خرمی آمد، و در آنجا مأمورین رضاخان او را دستگیر کردند و در بیرجند تحت محاکمه و بازخواست قرار دادند. پس از سرنگونی رضاخان در بیرجند ماندگار شد و ریاست حوزه علمیه را به دست گرفت و تا کنون منشأ خدمات زیادی بوده و در تعلیم و تربیت طلاب بیرجند سعی وافری کرده است. ایشان هم اینک با داشتن یکصد و پنج سال سن به تدریس کتاب گرانقدر شرح لمعه مشغول‌اند و در یکی از مساجد بیرجند نیز اقامه نماز جماعت می‌کنند.

۱ - البته این آمار تقریبی، مربوط است به سال تألیف کتاب، یعنی ۱۳۷۳ شمسی.

طلاب بیرجندی مقیم قم

منطقه جنوب خراسان به موجب بافت اجتماعی و ساختار فرهنگی از نوعی وحدت تاریخی برخوردار است. بر پایه همین همبستگی طلاب این منطقه متشکل از طلاب بیرجند، قائن و نهبندان در یک تجمع ماهانه شرکت می‌جویند و تشکیلات واحدی دارند.

در جمعه اول هر ماه قمری جلسه طلاب این منطقه تشکیل می‌شود و موضوع جلسات به شرح زیر است:

۱- ارائه آخرین اخبار و اطلاعات پیرامون وضعیت و مسائل منطقه، کشور و مسائل خارجی

۲- استفاده از رهنمودهای اساتید و شخصیت‌های مهمان یا اعضای مجمع. این مجمع در دو بخش فعالیت دارد:

۱- اعزام مبلغ به شهرستانهای بیرجند، قائن و نهبندان

۲- فعالیت فرهنگی در بخش دانش آموزی و دانشجویی

سومین مدرسه در ایران

مدرسه شوکتیه بیرجند، سومین مدرسه‌ای بود که به سبک جدید در ایران تأسیس شد. این مدرسه در سال ۱۳۲۶ قمری کار خود را آغاز کرد اولین مدرسه ایران دارالفنون در تهران و دومین مدرسه رشدیه در تبریز بود. در مدرسه شوکتیه افراد زبده‌ای مانند ملا احمد نراقی و میرزا مهدی نراقی از کاشان و ملا شیخ احمد سلیمانی و سید محمد شهرستانی و تنی چند به تعلیم و تربیت شاگردان همت گماشتند.

نگاهی به آموزش و پرورش

بیرجند از شهرهای فرهنگی کشور محسوب می شود که سطح آموزش و تعلیم و نیز پرورش در آن در حد مطلوبی می باشد. نگاهی به آمار تعلیم و پرورش و جمعیت دانش آموزی و فرهنگی و مؤید این ادعاست.

آمار و مراکز و عدد دانش آموزان شهرستان بیرجند به شرح زیر است:

- ۱ - مدارس استثنایی ۹ آموزشگاه
 - ۲ - کودکانستان ۲۳ باب با ۹۹۰ نفر نونهال
 - ۳ - مدارس ابتدایی ۴۰۷ آموزشگاه با ۳۲۴۹۸ نفر دانش آموز
 - ۴ - مدرسه راهنمایی ۸۵ باب با ۱۶۱۱۸ نفر دانش آموز
 - ۵ - دبیرستان ۳۷ باب با ۱۱۷۲۳ نفر دانش آموز
 - ۶ - هنرستان فنی ۲ باب ۵۰۰ نفر هنرجو
 - ۷ - هنرستان حرفه ای ۲ باب با ۶۵۰ نفر هنرجو
 - ۸ - مدرسه راهنمایی شبانه روزی ۳ باب با ۶۰۰ نفر دانش آموز
 - ۹ - دبیرستان شبانه روزی ۲ باب با ۵۷۹ نفر دانش آموز
 - ۱۰ - مراکز تربیت معلم ۳ مرکز با ۵۲۴ نفر دانشجو
- جمع دانش آموزان پسر ۳۴۶۰۰ نفر و دانش آموزان دختر ۲۶۵۰۰ نفر می باشد.^۱

دانشگاه بیرجند

مجمع دانشگاهی بیرجند بزرگترین دانشگاه شرق کشور است که دارای چهار دانشکده: دانشکده علوم کشاورزی، مهندسی تکنولوژی و دانشکده ادبیات و

۱ - آمار اداره آموزش و پرورش شهرستان بیرجند.

علوم انسانی است. رشته‌های ریاضی، کاربرد فیزیک، فیزیک محض، فیزیک دبیری، شیمی محض، شیمی دبیری، دبیری ریاضی، زمین شناسی، امور زراعی، امور فنی کشاورزی، منابع طبیعی، ادبیات فارسی، علوم تربیتی، قدرت، الکترونیک و کارشناسی ارشد شیمی است. این مجتمع مجهز به آزمایشگاههای فیزیک و شیمی و کشاورزی و الکترونیک است. از مراکز وابسته به این مجتمع، مرکز زلزله نگاری می‌باشد.

آمار و اطلاعات مربوط به دانشگاه بیرجند به شرح زیر است:

- ۱ - تعداد دانشجویان ۱۸۴۱ نفر
- ۲ - استاد (دکتر) ۸ نفر
- ۳ - مربی (فوق لیسانس و لیسانس) ۸۳ نفر^۱

دانشکده پزشکی

دانشکده پزشکی بیرجند از سال ۱۳۶۵ با فعالیت آموزشی و دانشجویی در رشته پزشکی و پرستاری کار خود را آغاز کرده است. آمار و اطلاعات مربوط به این دانشکده به قرار زیر است:

- ۱ - رقم دانشجویان در سال ۱۳۶۶ ش ۷۸ نفر.
- ۲ - رقم دانشجویان رشته کارشناسی پرستاری و مامایی در سال ۱۳۶۶ ش ۴۰ نفر.

۳ - اعضاء هیأت علمی و کارشناسان و مربیان ۲۳ نفر.^۲
شایان ذکر است که کیفیت آموزشی در دانشگاههای بیرجند از سطح مطلوبی برخوردار است. دانشکده پزشکی بیرجند و دانشجویان رشته ریاضی

۱ - روابط عمومی فرمانداری بیرجند.

۲ - روابط عمومی فرمانداری بیرجند.

این دانشگاه مقامهای اول را در سطح کشور به دست آورده‌اند. در قبال هر ۱۴ نفر جمعیت بیرجند یک دانشجو وجود دارد که این رقم در کل کشور بی نظیر است.^۱

دانشگاه آزاد اسلامی

این دانشگاه پس از تصویب هیأت امنای شورای انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی در سال ۱۳۶۴ ش تأسیس شد و در رشته‌های کاردانی ادبیات فارسی، برق، کشاورزی، دینی، عربی، حسابداری و کارشناسی رشته کشاورزی، ادبیات فارسی، آموزش ابتدایی برق، حقوق و علوم تربیتی و در رشته کارشناسی ارشد ادبیات فارسی فعالیت دارد.

آمار و اطلاعات مربوط به این دانشگاه به شرح زیر است:

۱ - تعداد دانشجویان ۳۰۰۰ نفر

۲ - اعضای هیأت علمی ۲۵ نفر

۳ - اساتید حق التدریس ۳۰ نفر

دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور بیرجند از سال ۶۸ - ۱۳۶۷ فعالیت خود را آغاز کرد و در زمینه کارشناسی شیمی، زبان، ادبیات فارسی و علوم تربیتی دانشجو می پذیرد. رقم دانشجویان این دانشگاه ۷۹۸ نفر می باشد.

در یک نگاه

۱ - شهرستان بیرجند حدود ۲۵۰۰ شهید و مفقود الاثر تقدیم انقلاب

شکوهمند اسلامی کرده است. آمار آزادگان شهرستان به ۱۷۵ نفر می‌رسد.

۲- آمار جانبازان بالای ۲۵ تا ۷۰ درصد حدود ۴۸۵ نفر، جانبازان از ۱۰ تا ۲۴ درصد حدود ۵۰۰ نفر و جانبازان زیر ۱۰ درصد حدود ۸۰۰ نفر است.

۳- در سال تحصیلی ۷۰- ۱۳۶۹ از ۷۸۳ نفر دانش آموز فارغ التحصیل دیپلم این شهرستان ۳۶۷ نفر به مؤسسات آموزش عالی راه یافته‌اند.

۴- شهر بیرجند بعد از تهران در سال ۱۳۰۲ شمسی، اولین شهری است که از امتیازات آب لوله کشی بهره مند شده است.



نمای کلی شهر بیرجند

منابع و مأخذ

- ۱- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، چاپ سازمان تبلیغات اسلامی-۱۳۶۹
- ۲- بستان السیاحه، زین العابدین شیروانی، چاپ تهران
- ۳- بهارستان، محمد حسین آیتی، چاپ تهران، ۱۳۲۷ش، شرکت سهامی چاپ
- ۴- تاریخ آستان قدس رضوی، چاپ آستان قدس رضوی
- ۵- تاریخ بیهقی، ابوالحسن علی بن زید البیهقی
- ۶- تاریخ رجال ایران، مهدی بامداد، چاپ تهران
- ۷- تاریخ سیستان، ملک الشعراء بهار، چاپ تهران، ۱۳۱۴ هـ ش
- ۸- تاریخ طبرستان، ابی جعفر محمد بن جریر طبری، ج ۲، چاپ بیروت - ۱۴۰۸ هـ ق
- ۹- تاریخ مفصل ایران،
- ۱۰- حوزه نفوذ بیرجند (روابط عمومی فرمانداری بیرجند)
- ۱۱- خاطرات سیاسی فرح
- ۱۲- راهنمای جمعیت شهرهای ایران
- ۱۳- رجال قائن، محمد باقر مجتهد آیتی
- ۱۴- روابط عمومی آموزش و پرورش بیرجند (مصاحبه بامسئول آمار)
- ۱۵- روابط عمومی بنیاد جانبازان بیرجند
- ۱۶- روابط عمومی جهاد سازندگی بیرجند
- ۱۷- روزنامه اطلاعات (۲۱ اسفند ۱۳۴۱)
- ۱۸- روزنامه سلام (شماره ۹۳۴، ۱۳۷۳/۵/۳۱)
- ۱۹- روزنامه خراسان (۱۳۷۳/۵/۵) چاپ مشهد
- ۲۰- روزنامه قدس (۱۳۷۱/۶/۱۹) چاپ مشهد
- ۲۱- سفر به خراسان، حسن اللهوردیان، چاپ مؤسسه چاپک-۱۳۷۱



کتابخانه شخصی استاد

- ۲۲ - شرح سفری به خراسان، کلنل سی. ام. مک گرگر، ترجمه اسدالله توکلی طبسی، چاپ آستان قدس رضوی - ۱۳۶۸
- ۲۳ - شهیدان راه فضیلت، عبدالحسین امینی نجفی، ترجمه ف.ج، چاپ روزبه ۱۳۳۵
- ۲۴ - صحیفه نور، ج ۱، مجموعه سخنرانیها و پیامهای امام خمینی (ره) - مؤسسه چاپ و نشر آثار امام
- ۲۵ - صنعت فرش بیرجند (روابط عمومی فرمانداری بیرجند)
- ۲۶ - طرحها و عملکردها (روابط عمومی شهرداری بیرجند)
- ۲۷ - عبور از صحاری ایران، آلفونس گابریل، ترجمه فرامرز نجد سمیعی چاپ آستان قدس رضوی - ۱۳۷۱
- ۲۸ - عقاید و رسوم مردم خراسان، شکورزاده، چاپ انتشارات سروش - ۱۳۶۳
- ۲۹ - علما و بزرگان بیرجند (میراث فرهنگی بیرجند)
- ۳۰ - فصلنامه تحقیقات جغرافیا، محمد حسین پاپلی یزدی، چاپ آستان قدس رضوی - ۱۳۷۰
- ۳۱ - گفتگوی من با شاه (خاطرات اسدالله علم) انتشارات طرح نو - ۱۳۷۱
- ۳۲ - گویش محلی بیرجند، محمد حسین ملائی - ۱۳۶۷
- ۳۳ - لغت نامه دهخدا، ج ۳۷، علی اکبر دهخدا، چاپ تهران - ۱۳۳۹
- ۳۴ - مجالس المؤمنین، چاپ تهران - ۱۲۹۹ هـ ق
- ۳۵ - معجم البلدان، شهاب الدین یاقوت حموی، ج ۴، چاپ بیروت - ۱۳۹۹ هـ ق
- ۳۶ - مرجعیت، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳
- ۳۷ - نهج البلاغه، وصیت ۳۷
- ۳۸ - هشت سال در ایران، سرپرسی سایکس

مرکز تحقیقات فرهنگیان

شماره ثبت: ۶۰۵۹

تاریخ: ۷۹/۵/۱۷